

خوانش قصه‌های جامعه از متن فضای شهری: تقویت و تداوم حس مکان*

مهنوش شاهین‌راد^۱ - مجتبی رفیعیان^{۲*} - محمدرضا پورجعفر^۳

۱. دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۰ تاریخ اصلاحات: ۹۳/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۱/۲۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۶/۳۰

چکیده

در سال‌های اخیر علی‌رغم فراگیر شدن بحث‌های جهانی شدن و گسترش روابط در دنیای مجازی همچنان مکان و حس مکان، کانون توجه بسیاری از پژوهش‌های نظری و تجربی است. اهمیت یکپارچگی رویکردهای عینی و ذهنی به این مفاهیم، بر تعادل و موازنه پرداختن توأمان به ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه تأکید می‌کند. در این زمینه روایت قصه‌های جامعه شامل خاطرات، باورها، ارزش‌ها و اسطوره‌های جامعه در فضاهای شهری، بر تقویت پیوند با آن‌ها مؤثر خواهند بود. این در حالی است که در پرداختن به فضاها و مکان‌های شهری، اغلب قصه‌ها و رویدادهای پیشین آن‌ها مورد غفلت واقع می‌شوند. بنابراین پرداختن به روایت‌های جامعه در متن فضاهای شهری به‌عنوان عامل اتصال‌دهنده افراد به محیط زندگی آن‌ها ضروری است. در این مقاله نقش قصه‌های جامعه و روایت آن‌ها در تقویت حس مکان بررسی شده است. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان به کمک روایت و خوانش قصه‌های جامعه در فضاهای شهری، حس مکان را تقویت کرده و تداوم بخشید؟ به این منظور با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، نخست، متون و نظریه‌های مرتبط در این زمینه، مرور و مفاهیم و آراء صاحب‌نظران بررسی شده است. سپس روابط میان مفاهیم اصلی تشریح و تحلیل شده است. بر پایه تأثیر مثبت و تقویت‌کننده روایت قصه‌های مکان بر حس مکان، و در قالب رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، فضای شهری به‌عنوان یک متن و قصه‌های آن نیز به‌عنوان یکی از لایه‌های متنی معرفی شد. به‌منظور حفظ انسجام کلیت متن مکان، باید نقش و ارزش لایه‌های مختلف متنی مکان - فعالیت‌ها، کالبدی، تصورات - با نقش و ارزش لایه متنی قصه‌های مکان همسو بوده و یکدیگر را تقویت کنند. برای نمایش قصه‌ها، طی فرآیندی باید مشخص شود کدام قصه‌ها برای جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است، سپس روش‌ها و عناصر نمایش‌دهنده آن‌ها - کالبدی و غیرکالبدی - تعیین شوند.

واژگان کلیدی: حس مکان، قصه، خاطره، فضای شهری، نشانه‌شناسی لایه‌ای، متن.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله نویسنده اول با عنوان «تبیین چارچوب مفهومی معنا، نشانه و تعامل پایدار با فضای شهری، مورد مطالعه: فضاهای همگانی در شهر تهران» با راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم در گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

** E-mail: rafiei_m@modares.ac.ir

۱. مقدمه

همان‌گونه که مونتگمری تأکید می‌کند، شهرهای موفق در ۵۰ سال آینده در طی موج بلند پیش رو از توسعه اقتصادی و فرهنگی به ایجاد تعادل و موازنه میان سنت و مدرن، حس مکان و تصویر ذهنی، پویایی اقتصادی و کیفیت زندگی نیاز دارند (Montgomery, 2008, p. 231). بر این اساس می‌توان گفت یکپارچگی و هم‌سویی میان ویژگی‌های عینی محیط‌های شهری و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی جوامع به‌عنوان ویژگی‌های ذهنی، از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد بود. حس مکان یا پیوند عمیق میان افراد با مکان‌ها از مفاهیم مهمی است که سال‌ها کانون توجه پژوهش‌های نظری و تجربی در رابطه با شهر و فضاهایش بوده است. حس مکان با تجربه محیط و بر اساس معانی نمادینی شکل می‌گیرد که به محیط نسبت داده می‌شود (Spartz & Shaw, 2011, p. 345). این معانی نیز در سطوح مختلف بر اساس ویژگی‌های محیط، تجربیات افراد و ارزش‌های جامعه شکل می‌گیرند.

فضاهای شهر و عناصر و ویژگی‌هایشان شاهدهی هستند بر آنچه برای جامعه رخ داده است و ارزش‌ها، باورها و اعتقادات جامعه را به نمایش می‌گذارند. از این رو می‌توان گفت افراد در مواجهه با منظر شهر به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، با نشانه‌هایی از رویدادهای فرهنگی - اجتماعی، مردم و مکان‌های مختلف روبه‌رو هستند و آن‌ها را می‌خوانند. این در حالی است که غفلت از ارزش‌ها و روایت‌های پیشین مکان‌ها و شهروندان، سبب از بین رفتن فضاهای به‌یادماندنی و سطحی شدن ارتباط افراد با این فضاها شده است.

همانگونه که اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰) مطرح می‌کنند، افراد از طریق تجارب تاریخی مشترک، ارزش‌ها و نمادها به مکان متصل می‌شوند (Scannell & Gifford, 2010a, p. 2). به این ترتیب عناصر مکان و تجارب و ارزش‌های مشترک جامعه در ترکیب با هم، به تقویت پیوند و اتصال افراد با مکان‌ها منجر می‌شوند. نشانه‌های این تجارب مشترک و ارزش‌های جامعه در جای جای شهر و فضاهایش قابل ردیابی هستند. می‌توان گفت شهرها همچون خطوط کف دست، نقشی از گذشته بر خود دارند؛ گذشته‌ای که در گوشه کنار خیابان‌ها و در هر جزئی از بخش‌های مختلف فضا نقش بسته است (Calvino, 2009). پس می‌توان مکان را رسانه و ابزاری دانست که گذشته را در قالب قصه‌های جامعه روایت می‌کند. چنین پیوندی میان مکان و قصه‌های جامعه را می‌توان نوعی سرمایه اجتماعی در نظر گرفت و آن را بافت روایتی شهر و فضاهایش نامید. این بافت روایتی، بخشی حیاتی و اساسی از حس تعلق و پیوند با مکان‌ها به‌شمار می‌رود (Childs, 2008, p. 176). در این مقاله تلاش بر این است تا نقش روایت قصه‌های شهر و جامعه بر تقویت حس مکان و چگونگی پرداختن به آن در فضای شهری مورد بررسی قرار گیرد. با یادآوری رویدادها و قصه‌های شهر و جامعه می‌توان کتاب قصه شهر را غنا بخشید و پیوند افراد با

مکان‌ها را تقویت کرد و تداوم بخشید.

۲. رویکرد یکپارچه به مکان

از دهه ۷۰ میلادی، تفاوت مهم فضا به‌عنوان یک موقعیت جغرافیایی و ظرفی برای فعالیت‌های انسانی با مکان معنادار، توسط متخصصان جغرافیای انسانی (Tuan, 1974, 1975, 1977; Relph, 1976) مورد توجه قرار گرفت. به این ترتیب مکان در پژوهش‌هایی مانند هویت مکان (Proshansky, 1978)، دل‌بستگی به مکان (Taylor, Gottfredson, & Brower, 1985) و حس مکان (Steele, 1981) نقش مهمی به خود گرفت. اما با توجه به افزایش جابجایی‌ها، مسأله جهانی شدن و اثرات آن، یکسان شدن فزاینده فضاها و از دست دادن تشخیص و تمایز فرهنگی‌شان (Lewicka, 2011, p. 209) و همچنین گسترش ارتباط افراد با محیط مجازی در عصر دیجیتال (Misra & Stokols, 2012, p. 311) انتظار می‌رود مکان‌ها در ارتباط با افراد، جایگاه با اهمیت خود را از دست داده باشند و روابط معنادار مردم با آن‌ها (مانند حس مکان، دل‌بستگی به مکان و غیره) کاهش یافته باشد. اما همچنان که لویسکا (۲۰۱۱) اشاره می‌کند، بر خلاف انتظار مذکور، شاهد آن هستیم که با وجود افزایش تعداد نامکان‌ها، نه تنها مکان‌ها اهمیت و جایگاه‌شان را از دست نداده‌اند، بلکه بررسی نتایج حاصل از صدها پژوهش نظری و تجربی گویای آن است که مکان همچنان موضوع و هدفی برای ارتباط افراد به‌خصوص ارتباط عاطفی به‌شمار می‌رود. تعدد و گستردگی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر به این موضوع پرداخته‌اند شاهدهی بر این ادعا^۱ می‌باشد (Lewicka, 2011, p. 207).

در طی سالیان گذشته، دو جریان اصلی در رابطه با آنچه کیفیت مکان را می‌سازد، قابل شناسایی است. جریان نخست، صاحب‌نظرانی مانند کالن و پیروان او که بر جنبه‌های فیزیکی - شیوه‌های طراحی، تزیینات و ترکیب ویژگی‌ها و عناصر، چگونگی گسترش ساختمان‌ها به فضای بیرون، دروازه‌ها، دید و منظر، نشانه‌ها و غیره - تأکید دارند را شامل می‌شود. چنین رویکردی نوعی نگاه کلاسیک، عینی و خردگرا به طراحی شهری در کل و کیفیت‌های مکان به‌شمار می‌رود. در جریان دوم، صاحب‌نظرانی مانند الکساندر^۲ بر جنبه روانشناختی مکان به‌عنوان راهنمای درونی نسبت به مکان‌های شهری تأکید دارند. به‌طوری‌که برای شناسایی مکان‌های امن، راحت، سرزنده، ساکت یا تهدیدکننده؛ بر ذهنیت افراد اعتماد می‌کنند. این رویکرد، دیدگاهی ذهنیت‌گرا^۳ و رمانتیک به طراحی شهری و مفهوم مکان است (Montgomery, 2008, p. 268). در این میان علی‌رغم وجود مطالعات و پژوهش‌های بسیار به‌نظر می‌رسد شکاف میان رویکردهای عین‌گرا و ذهن‌گرا به مکان برطرف نشده است. به‌طوری‌که بیشتر نظریه‌های مکان به سمت یکی از این دو رویکرد، گرایش یافته‌اند. درحالی‌که باید موقعیتی میانه نسبت به این دو رویکرد پیش گرفت که ترکیبی از هر دو را در خود داشته باشد و عناصر متعدد مکان - عینی و ذهنی -

نیز چنین تعریفی را برای حس مکان ارائه می‌دهد و آن را مبنای تمایز مفهوم «حس مکان» و «روح مکان» قرار می‌دهد (Relph, 2007, p. 19). با رویکرد پدیدارشناسی، ترکیب مؤلفه‌ها و یا سنجه‌های مطالعه و اندازه‌گیری مختلفی برای مفهوم حس مکان معرفی شده است. به طور مثال می‌توان به سطوح هفت‌گانه پیشنهادی رلف از تجربه حضور در مکان^۴ و یا مقیاس هفت سطحی پیشنهادی شامای (Shamai, 1991) برای سنجش سطوح حس مکان (p. 349) اشاره کرد.

رویکرد دوم، رویکردی رفتاری به حس مکان است. در این رویکرد که با لنز روانشناسی محیطی به حس مکان می‌نگرد، بر معانی عاطفی، شناختی و رفتاری که به یک مکان خاص نسبت داده می‌شود و تأثیر آن‌ها بر ارتباط و پیوند با مکان تأکید می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، حس مکان را به‌عنوان مفهومی چند بعدی شامل دانش، باورها و اعتقادات، عواطف و احساسات و رفتارها و اقدامات در رابطه با یک محدوده جغرافیایی مشخص در نظر می‌گیرند (Altman & Low, 1992, p. 5; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 276). بنابراین حس مکان به‌عنوان مجموعه پیوندهایی میان فرد و مکان در نظر گرفته می‌شود که ابعاد عاطفی (احساسی)، شناختی و رفتاری را شامل می‌شود (Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulfhorst, 2010, p. 443). مکان نیز به‌عنوان یک واحد «تجربه محیطی» به‌صورت همگرایی شناخت، احساس و رفتارهای مردمی که آن‌ها را تجربه می‌کنند، فهمیده می‌شود (Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 273). پژوهشگران با چنین رویکردی، حس مکان را به‌عنوان مفهومی چند بعدی در نظر گرفته و از ترکیب‌های مختلف ابعاد سازنده آن برای سنجش و اندازه‌گیری بهره برده‌اند.

برخی پژوهشگران بر اساس رویکرد روانشناسی محیط، حس مکان را ترکیبی از دو مفهوم اصلی و مکمل، شامل دل‌بستگی به مکان و معنای مکان تعریف کرده‌اند. دل‌بستگی به مکان به پیوند میان فرد و مکان و ارزشی که فرد برای مکان قائل است، اشاره دارد. به بیانی دیگر شاخصی برای سنجش میزان اهمیت مکان برای فرد به‌شمار می‌رود. معنای مکان نیز معنای نمادینی است که افراد به مکان نسبت می‌دهند. این معانی هم در محیط فیزیکی و فعالیت‌های جاری در آن ریشه دارند و هم به زمینه‌های فرهنگی، تعاملات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی فرد وابسته هستند. در مجموع می‌توان گفت در قالب مفهوم حس مکان، دل‌بستگی به مکان شدت جذب شدن افراد به مکان را نشان می‌دهد درحالی‌که معنای مکان دلیل این جذب شدن را مشخص می‌کند (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, pp. 233-230; Williams, 2014, p. 78). دیگر از پژوهشگران، ابعاد حس مکان را شامل دل‌بستگی به مکان، حس تعلق به جامعه^۵ و وابستگی به مکان می‌دانند. در این زمینه حس تعلق به جامعه، با ویژگی‌های اجتماعی مکان

در یک کل یکپارچه و پشتیبان یکدیگر، سازماندهی شوند. همانگونه که مونتمگرمی (۲۰۰۸) مطرح می‌کند، چنانچه بخواهیم این رویکردها را با هم ترکیب کنیم، خواهیم دید که کیفیت مکان‌های شهری باید در قالب مفاهیمی گسترده‌تر و کلان‌تر از ویژگی‌های فیزیکی مثل ساختمان‌ها، فضاها و الگوی خیابان‌ها در نظر گرفته شود و باید در نظر داشت مفهوم کیفیت، با ابعاد فرهنگی، روانشناختی و اجتماعی مکان پیوند دارد (Ibid, pp. 268-269).

همچنان که پیش از این، رلف (۱۹۷۶) و توآن (۱۹۷۷) نیز مطرح کرده‌اند مکان‌ها هم محیط فیزیکی و هم تجربیات و تفسیرهای انسانی را شامل می‌شوند. در این صورت می‌توان مکان را محدوده‌ای جغرافیایی دانست که به واسطه کیفیت‌ها و ارزش‌های خاص فرهنگی و اجتماعی مانند نام‌ها، قصه‌ها و خاطرات مشترکی که به آن مربوط هستند و همچنین شدت و تنوع معنایی‌ای که مردم به آن نسبت می‌دهند یا از آن دریافت می‌کنند، از دیگر مکان‌ها متمایز می‌شود. آنچه در این‌جا اهمیت می‌یابد، همگرایی ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی مکان است. به طوری که عناصر و ویژگی‌های فیزیکی مکان باید به‌گونه‌ای باشند که خوانش آن‌ها توسط افراد، هم‌سو و هم‌جهت با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد آن مکان و تقویت‌کننده آن‌ها باشد. یک مکان در عین حال یک چیز و پس‌زمینه‌ای از چیزها، عناصر و رویدادها، گذشته و حال است (Assche, Duineveld, Jong, & Zoest, 2012, p. 238). پس تبلور و تجسد ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد مکان در قالب خاطرات و قصه‌های مردمان از آن، در درک تمایزش نسبت به دیگر مکان‌ها و تقویت پیوند افراد با مکان بسیار مؤثر است.

۳. حس مکان و ابعاد آن

بسیاری معتقدند حس مکان را می‌توان بهترین مفهومی دانست که ارتباط و پیوند میان افراد با مکان‌ها را تعریف می‌کند. این مفهوم از نخستین باری که در پژوهش‌های جغرافیای انسانی (Relph, 1976; Tuan, 1974, 1975) مطرح شد تا امروز، از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده و از جنبه‌های متفاوتی مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان دو رویکرد اصلی و غالب، قابل شناسایی است. پدیدارشناسی به‌عنوان رویکرد نخست، ارائه تعریف دقیقی از مفهوم مذکور را مشکل و پیچیده دانسته و درک آن را مانند هر پدیده دیگری، وابسته به تجربه مستقیم افراد می‌داند. به طوری که از این دیدگاه، حس مکان، پیوند و ارتباط با مکان است که با درک معانی، نمادها و فعالیت‌های روزمره و از طریق تجربه مستقیم شکل می‌گیرد (Relph, 1976, p. 4; Shamai, 1991, p. 347; Falahat, 2006, pp. 58-59; Carmona, Heath & Tiesdell, 2003, p. 96). در ساده‌ترین تعریف، حس مکان، توانایی تشخیص و درک ویژگی‌های متفاوت مکان‌ها و برقراری ارتباط با آن، متناسب با درک این تفاوت معرفی شده است. رلف (۲۰۰۷)

پیچیده روانشناختی - اجتماعی، سازمان‌دهنده پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری افراد با مکان معرفی می‌شود (Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulfhorst, 2010, p. 443; Jorgensen & Stedman, 2001, pp. 233- 238; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 275). دل‌بستگی به مکان، پیوند مثبتی است که میان گروه‌ها یا افراد با محیط برقرار می‌شود. جنبه احساسی و عاطفی این پیوند به وضوح مورد تأکید قرار می‌گیرد. به طوری که گفته می‌شود ارتباط عاطفی افراد با محیط فراتر از شناخت، ترجیح یا قضاوت خواهد بود (Jorgensen & Stedman, 2001, p. 234). هویت مکان، بیان‌کننده هویت فرد در رابطه با محیط است. در این زمینه، الگوی پیچیده‌ای از باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و مهارت‌های فرد متناسب با محیط مورد نظر، در برقراری این ارتباط به صورت آگاهانه و ناآگاهانه مؤثر هستند (Proshansky, 1978, p. 155). وابستگی به مکان نیز نشان‌دهنده آن است که مکان نسبت به سایر مکان‌های مشابه تا چه حد بستر مناسبی را برای دستیابی به اهداف و انجام فعالیت‌های مورد علاقه فرد فراهم می‌کند (Jorgensen & Stedman, 2006, p. 318).

مرتبط است و به فرد این حس را می‌دهد که به یک نظام در دسترس، پشتیبان و قابل اعتماد، تعلق دارد. اما در دل‌بستگی به مکان، احساسات و پیوند عاطفی، صرفاً در رابطه با محیط اجتماعی نیست بلکه ویژگی‌های فیزیکی محیط را نیز شامل می‌شود. در نهایت، وابستگی به مکان نیز بعد رفتاری هدفمند فرد را شامل می‌شود (Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, pp. 273-275). استدمن (۲۰۰۳) نیز با تأکید توأم بر ابعاد فیزیکی و در عین حال جنبه تجربی و تفسیری فرد از مکان در تعریف حس مکان، آن را شامل معانی، دل‌بستگی و رضایت‌مندی می‌داند. در این رابطه، دل‌بستگی به مکان پیوند مثبت احساسی بین مردم و محیط در نظر گرفته شده است. رضایت مکانی نیز یک ارزیابی مختصر از کیفیت ادراک شده محیط معرفی شده که از نظر تحلیلی متفاوت از دل‌بستگی به مکان است (Stedman, 2003, p. 672). در نهایت، مدل دیگری از حس مکان، آن را مفهومی چند بعدی شامل هر سه بعد احساسی، شناختی و رفتاری تعریف می‌کند. بسیاری پژوهش‌ها نیز از این مدل شامل سه مفهوم روانشناختی (دل‌بستگی، وابستگی و هویت) به عنوان ساخت‌های قابل اندازه‌گیری، برای سازماندهی پیوند میان مردم و مکان استفاده کرده‌اند. بنابراین حس مکان به عنوان یک مفهوم

جدول ۱: ابعاد مختلف حس مکان - رویکرد روانشناسی محیطی

صاحب‌نظران و پژوهشگران	ابعاد مختلف حس مکان
Kudryavtsev, Stedman, & Krasny (2012); Williams (2014)	دل‌بستگی به مکان
	معنای مکان
Pretty, Chipuer, & Bramston (2003)	دل‌بستگی به مکان
	حس تعلق به جامعه
	وابستگی به مکان
Stedman (2003)	معنای مکان
	دل‌بستگی
	رضایت‌مندی
Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulfhorst (2010); Jorgensen & Stedman (2001)	عاطفی
	شناختی
	رفتاری

انحصار رفتاری فرد در مکان نسبت به مکان‌های دیگر است و فرد مکان را به عنوان بستری مناسب برای دستیابی به اهداف و انجام فعالیت‌های مورد علاقه‌اش انتخاب می‌کند. شکل‌گیری و تقویت حس مکان برای افراد به صورت درونی و با تجربه فضا رخ می‌دهد. ابتدا اهمیت مکان برای فرد در رابطه و پیوند با آن درک می‌شود. سپس با تفسیر تجربه مکان به عنوان تجربه‌ای معنادار، حس مکان شکل می‌گیرد و احساس می‌شود (Stokowski, 2008). رلف (۲۰۰۷) بر این باور است که حس مکان می‌تواند با مشاهده دقیق و

در این مطالعه حس مکان، مفهومی چند بعدی در نظر گرفته می‌شود که بیان‌کننده پیوند عاطفی به محیط است و در عین حال ارزش‌ها، نشانه‌ها و معانی فرهنگی نسبت داده شده به مکان را نیز شامل می‌شود (Jorgensen & Stedman, 2001, 2006, 2011; Stedman, 2003). بر این اساس سه بُعد را شامل می‌شود: الف. بعد عاطفی یا دل‌بستگی به مکان، که پیوند مثبت احساسی بین افراد و محیط است؛ ب. بعد شناختی که شناخت و باور افراد در رابطه با محیط است؛ و ج. بعد رفتاری که به نوعی گویای

است که خاطره جمعی، پایه و اساسی قوی برای ارتباط مردمان با شهرهایشان است (Lewicka, 2008, p. 226). با توجه به این که خاطرات مکان عمدتاً یک پدیده اجتماعی به‌شمار می‌رود، می‌توان گفت بیشتر به عوامل جمعی و اجتماعی وابسته است تا به تفاوت‌های روانشناختی افراد. از این رو در تقویت حس مکان در سطح گسترده جامعه تأثیرگذار است.

طراحی شهر و منظر آن به‌ندرت به تاریخ و گذشته بی‌توجه بوده است. حتی در زمان اوج مدرنیسم نیز نشانه‌هایی از گذشته در طراحی فضاها قابل ردیابی بوده است (Assche, 2012, p. 233). اما اهمیت توجه به گذشته و یادآوری آن به افراد در عصر حاضر بیش از پیش احساس می‌شود. همانگونه که سامرسون (۲۰۱۲) نیز تأکید می‌کند، افراد در عصر حاضر، به همان اندازه که باید از گذشته بدانند یا حتی بیشتر از آن، نیاز دارند که آن را احساس کنند. بنابراین ارتباط فیزیکی و تجربه حسی نشانه‌هایی از گذشته، به‌عنوان روش‌هایی مؤثر برای تحریک و تهییج پاسخ‌های احساسی افراد نسبت به گذشته، بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Summerson, 2012, p. 192). در این زمینه روایت کردن رویدادها و خاطرات گذشته می‌تواند ابزار مناسبی برای سهیم کردن آن با دیگران به عنوان یک نتیجه و یک فرآیند باشد به گونه‌ای که بتوان آن را بازسازی کرد و در نتیجه فهم مشترکی از آن پیدا نمود (Rosenthal & Fischer-Rosenthal, 2004, p. 259). می‌توان گفت قصه‌گویی جمعی نقشی اساسی در تقویت حس مکان در افراد دارد به‌طوری که گاهی اوقات این روایت‌ها برای تغییر معنای مکان، نقش مهم‌تری نسبت به تغییرات فیزیکی محیط دارند (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, p. 238).

روایت رویدادها و خاطرات گذشته در فضاهای شهری، در شکل‌گیری و تنوع معانی مکان در سطوح مختلف و همچنین ابعاد مختلف حس مکان (هویت، دلبستگی و وابستگی)، نقشی به‌سزا خواهد داشت. از یک‌سو، خاطرات، باورها و دانشی که افراد به‌واسطه مکان‌های مهم در شهر و محل سکونتشان برای آن‌ها تداعی می‌شود، از نظر شخصی به این افراد اهمیت می‌بخشد (Scannell & Gifford, 2010, p. 3). به‌طوری که این ارزش‌ها کمک می‌کنند افراد به‌صورت اجتماعی و یا نمادین، خود را به مکان‌های مشخصی مرتبط بدانند. ارتباط روایی شامل روایت قصه‌های مکان یا نام آن، یکی از روش‌هایی است که در مواردی چون ارتباط نسبی (زادگاه)، اقتصادی (مالکیت، محل کار)، احساس دوری یا فقدان (مهاجرت یا از بین رفتن مکان در یک فاجعه) و ارتباطات روحانی و مذهبی (فضاهای مقدس، رویدادهای فرهنگی یا زیارتی) و در شکل دادن به هویت مکانی افراد، نقش قابل توجهی دارد (Droseltis & Vignoles, 2010, p. 26). زیرا گویای تعلق فرد به یک نظام اجتماعی قابل اعتماد و پشتیبان برای فرد هستند. مجسم ساختن و هویدا نمودن

ارزش دادن به تفاوت‌های موجود میان مکان‌ها درک شود و شکل بگیرد. بنابراین می‌توان آن را نوعی توانایی دانست که در جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود و با ابراز یک حس مشترک از تاریخ و جغرافیای محلی، خود را در قالب ترکیبی از غرور و تعهد به ارتقاء مکان به نمایش می‌گذارد (Relph, 2007, p. 19). به بیانی دیگر حس مکان با تجربه مستقیم مکان‌ها و آموختن غیرمستقیم درباره آن‌ها شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود (Kudryavtsev, Stedman & Krasny, 2012, p. 239). از این رو فراهم کردن یک بستر مناسب برای تجربه و آموختن ارزش‌های تاریخی و جغرافیایی محلی و تفاوت آن‌ها با دیگر مکان‌ها، در تقویت حس مکان در افراد مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر می‌توان ادعا کرد که این حس می‌تواند حسی اجتماعی نیز باشد. همان‌گونه که در فضاهای مقدس، احساس تداوم، تعلق و امنیتی که در افراد شکل می‌گیرد و همچنین فرآیندهای اجتماعی حضور در این فضاها و روایت قصه‌های آن‌ها، نمونه‌ای شاخص از جمعی بودن حس مکان و ابعاد مختلف آن به‌شمار می‌رود (Droseltis & Vignoles, 2010, p. 32). با چنین نگاهی، نقش یادآوری و نمایش خاطرات و قصه‌های جامعه و شهر که خود از ویژگی‌ها و ابعاد منحصر به فرد مکان‌ها هستند در تداوم حس مکان قابل بررسی است.

۴. روایت قصه‌های مکان: تقویت و تداوم حس مکان

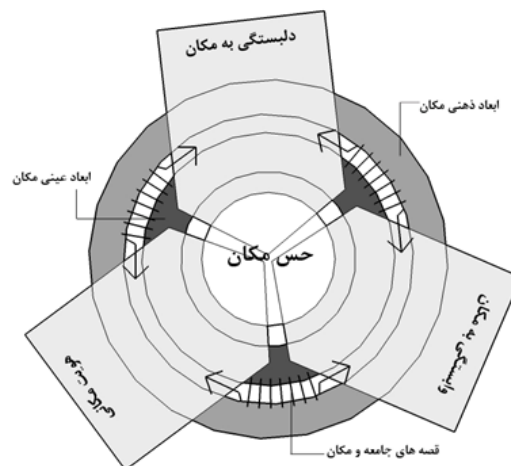
روایت‌ها و قصه‌ها، نیرویی پیونددهنده میان افراد، زمان‌ها و مکان‌های مختلف به‌شمار می‌روند. روایت‌های جامعه، بستری فراهم می‌آورند که تداوم و تمایز جامعه را به نمایش می‌گذارد. از این رو در پیوند میان افراد جامعه با یکدیگر و با محیط زندگی‌شان تأثیر می‌گذارند. در تعریف حس مکان نیز گفته می‌شود، حس مکان مجموعه‌ای از حکایت‌ها و روایت‌های فردی و جمعی است که توأم با مکان رخ می‌دهند (Falihat, 2006, p. 58). در این زمینه، جانستون (۱۹۹۰) نیز ادعا می‌کند که حس مکان ما و جامعه ریشه در روایت دارد (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, p. 238).

قصه‌ها و حکایت‌های جمعی از خاطرات جمعی افراد جامعه برمی‌آیند. شکل‌گیری خاطره نیز همواره مبتنی بر رویداد است. به بیانی دیگر، رویدادها روال عادی زندگی را تغییر می‌دهند و خاطره‌ساز می‌شوند. فرآیند شکل‌گیری خاطره را می‌توان رخ دادن رویداد، شکل‌گیری خاطره و اشیاء، مکان‌ها و نام‌ها برای یادآوری و تداعی خاطره در نظر گرفت (Mirmoghtadaee, 2009, p. 7). در این زمینه یادآوری و تداعی خاطرات جمعی به صورت روایت قصه‌ها و حکایت‌های جامعه در کالبد و فعالیت‌های مکان‌های شهری، تأثیری مثبت و تقویت‌کننده بر ارتباط و پیوند فرد با مکان خواهد داشت. همچنان که لویسکا (۲۰۰۸) در پژوهش خود از دو شهر اروپایی نیز به این نتیجه رسیده

در نهایت، رخ دادن رویدادهای خاص در مکان‌ها، سبب می‌شود این مکان‌ها معنای خاصی برای افراد داشته باشند. زیارت‌ها در مکان‌های مقدس، یا نمایش و بازگویی قصه‌ها و اسطوره‌ها در یک سایت تاریخی، نمونه‌هایی شاخص در این زمینه به‌شمار می‌روند (Scannell & Gifford, 2010, p. 6). می‌توان گفت قصه‌ها و روایت‌های گذشته می‌توانند زمینه را برای شکل‌گیری قصه‌ها و روایت‌های جدید نیز فراهم کنند. به‌طوری‌که مکان‌ها به‌عنوان عرصه‌ای برای رویدادهای خاص و تعامل با دوره‌های زمانی مختلف تجربه شوند. بنابراین می‌توان گفت خاطره، رویداد و مکان عمیقاً در هم پیچیده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را بدون یکدیگر تصور نمود (Depriest-Hricko & Prytherch, 2013, p. 147). Mirmoghtadaee, 2009, p. 7). بویر نیز در کتاب خود با عنوان شهر خاطره جمعی، شهر را به‌عنوان یک واقعیت از خاطره جمعی تعریف کرده است (Boyer, 1994, p. 146). پرداختن به خاطرات در شهر، بازخوانی تاریخ و قصه‌های مردمان در متنی از اکنون است. این خاطره‌ها، سرمایه و میراثی است که در مجموعه سرمایه‌های شهری شامل «سرمایه کالبدی، سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و نمادین» (Sacco & Blessi, 2007, p. 4)، در بخش‌های مختلف شهر وجود دارد و باید حفظ و به نسل‌های آینده منتقل شود. به این ترتیب می‌توان خاطره رویدادهای مهم جامعه را برای نسل‌های مختلف جاودانی ساخت و حس مکان را تداوم بخشید.

روایت‌های جامعه در محدوده مکانی‌شان، به افراد کمک می‌کند بدانند در چه قصه یا قصه‌هایی نقش ایفا می‌کنند یا خود را بخشی از کدام قصه‌ها بدانند. در این صورت هویت فردی و اجتماعی خود را بهتر درک می‌کنند (Thompson-Fawcett, & Rae, 2014, p. 298). قصه‌های شهر، قصه‌هایی برآمده از خاطرات جمعی شهروندان است که هم تاریخ را به نمایش می‌گذارد و هم رویاهای آینده را و بدین سبب عاملی مهم در درک و شناخت هویت اجتماعی- فرهنگی آن‌ها به‌شمار می‌روند. همان‌گونه که اهری اشاره می‌کند، «ساکنان شهر با خاطره‌های جمعی‌شان قصه شهر را می‌سازند و با قرائت و تکرار این قصه‌ها به خود هویتی جمعی می‌بخشند» (Ahari, 2011, p. 6). از سوی دیگر، پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیده‌اند در شرایطی که مکان، محل رخ دادن رویدادهای مهم باشد و در آن، یادآوری و معرفی دوره‌ها و رویدادهای به‌یادماندنی شهر و جامعه مورد توجه قرار گرفته باشد، دلبستگی به مکان تقویت می‌شود (Twigger-Ross & Uzzel, 1996, p. 214; Scannell & Gifford, 2010, p. 3; Manzo, 2005, p. 78). اگر شهری بتواند خاطره‌ها و رویدادهای مکان‌ها را حفظ کند، تعلق به آن‌ها را نیز حفظ خواهد کرد. زیرا یادآوری خاطرات گذشته، نوعی حس تداوم را شکل می‌دهد و در دنیای به‌طور دایم در حال تغییر، به افراد حس پایداری می‌دهد. علاوه بر آن، آگاهی از تاریخ مکان نیز به تقویت دلبستگی به مکان کمک می‌کند (Hay, 1998, p. 211; Lewicka, 2008, p. 6).

شکل ۱: قصه‌های جامعه، پیونددهنده ابعاد ذهنی و عینی مکان و تقویت‌کننده ابعاد حس مکان



فرهنگی جامعه را به نمایش بگذارد و بر پیوند افراد با محیط و رفتارهای آنان مؤثر باشند. اما اطلاعات اندکی وجود دارد که کدام مکان‌ها پتانسیل بیشتری برای برقراری تعامل دارند و یا کدام یک از ویژگی‌های مکان بر ابعاد مختلف پیوند با مکان تأثیر چشمگیرتری دارند (Jorgensen & Stedman, 2011, p. 795; Stedman, 2003, pp. 671-682; Lewicka, 2011, pp. 223-226). آنچه در این زمینه

تأثیری مثبت بر هر یک از سه بعد حس مکان دارد. اما عمده پژوهش‌های مربوط به حس مکان، بر ارتباط میان فرآیندهای روانشناختی/ اجتماعی و رفتارهای انسانی یا ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی افراد متمرکز بوده‌اند. در حالی که محیط فیزیکی با ارائه ارزش‌ها، باورها و تمایلات اجتماعی جامعه در طی زمان و موارد مشابه آن‌ها، می‌تواند کیفیت‌های منحصر به فردی از مکان و وجوه تمایز محلی و

سال‌هاست که مورد توجه و موضوع پژوهش‌های مختلف قرار گرفته است. چنان‌چه ویکتور هوگو شهر و معماری را نوشتاری می‌داند که ایده‌ها و افکار جوامع را در صفحات کتابی بزرگ ثبت کرده است. رولان بارت^۴ در امپراطوری نشانه‌ها به صراحت می‌گوید که شهر یک متن است. لینچ و کریستوفر الکساندر نیز در بیان علمی و تجربی خود از شهر، مفهوم متن را به واقعیت شهر تعمیم داده‌اند. آنچه در مقایسه یک کتاب با شهر برای روایت ارزش‌ها و تاریخ جامعه قابل توجه است، این است که یک کتاب ممکن است فراموش شود یا نادیده انگاشته شود. ولی محیط شهری که محل زندگی روزمره است و عناصر آن تا زمانی که پابرجا هستند می‌توانند هر روزه برخی نکات مهم را به افراد یادآوری کنند. بنابراین شهر و فضاهایش می‌توانند همچنان‌گیزتر از هر کتاب تاریخی‌ای، اطلاعات شهر و جامعه را به نسل‌ها و فرهنگ‌های دیگر منتقل کنند. همچنین در دسترس عموم بودن و منحصر نبودن این اطلاعات به افراد محدود، ارزش‌ها و تاریخ گذشته را حفظ و خاطره و حافظه شهر را تقویت می‌کند. همان‌گونه که مونتگمری (۲۰۰۸) نیز تأکید می‌کند، مناظر شهری نقش مهمی در شکل دادن و پایدار ساختن ارزش‌های فرهنگی در جوامع مختلف ایفا می‌کنند (Montgomery, 2008, p. 234).

به این ترتیب متن فضای شهری را می‌توان برای روایت قصه‌های جامعه به کار گرفت. بارت نیز معتقد است قصه‌گویی هزاران سال است که نه تنها به صورت شفاهی و نوشتاری بلکه در اشکال گوناگون و متنوعی از جمله محیط ساخته شده (معماری و شهر)، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها به‌شمار می‌رود (Barthes, 1977, p. 79). حبیبی (۱۳۹۱) نیز شهر را به قصه تشبیه می‌کند بدین سبب که هر دو نتیجه بازتولید آرمان‌ها و بینش مردمی هستند که ریشه در گذشته دارند، در حال زندگی می‌کنند و به آینده می‌نگرند (Habibi, 2012, p. 1). در این شرایط، محیط فیزیکی همچون رسانه‌ای عمل می‌کند که قصه‌های یک فرهنگ خاص را به نمایش می‌گذارد. همچنان که نقاشی، موسیقی و رقص متفاوت از داستان‌های مکتوب هستند، طراحی شهری و فضاهای شهر نیز به روش خود می‌تواند روایت‌ها و قصه‌های جامعه را بیان کند (Childs, 2008, p. 173).

با تصور شهر و فضاهای شهری به مثابه یک متن، می‌توان آن را مانند هر متن دیگری، به‌عنوان نظامی از نشانه‌ها در نظر گرفت (Assche, Duineveld, Jong, & Zoest, 2012, p. 236). نشانه‌هایی که به عقیده داورپناه (۱۳۹۱) گاه قاعده‌مند و بر اساس قراردادهایی اجتماعی و گاه نیز نه چندان قاعده‌مند، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اما این ترکیب چه بر اساس قواعدی مشخص و برنامه‌ریزی شده و چه تصادفی شکل گرفته باشد، متنی است که همواره در معرض «خوانده شدن» قرار دارد؛ از این‌رو، شهروندان

بدیهی است، تأثیر ویژگی‌ها و عناصر محیط بر حس مکان است. برخی پژوهشگران مانند شوماکر^۶ و تیلور^۷ (۱۹۸۳) معتقدند رابطه‌ای مستقیم بین عناصر منظر و حس مکان وجود دارد. به‌طوری‌که افراد به‌خاطر عناصر فیزیکی شاخص در مکان‌ها به آن‌ها دلبسته می‌شوند. برخی دیگر مانند استدمن^۸ (۲۰۰۳) بر این باورند که ویژگی‌های فیزیکی مکان به‌طور غیرمستقیم بر حس مکان تأثیر می‌گذارد. به‌طوری‌که ویژگی‌های فیزیکی، نشانه‌ای از معانی نمادین به‌شمار می‌روند و حس مکان برپایه این معانی نمادین و تفسیر آن‌ها شکل می‌گیرد (Stedman, 2003, p. 674). با پیروی از مدلی که استدمن ارائه داده است، می‌توان گفت نمایش و ارائه روایت‌ها و قصه‌های جامعه در محیط فیزیکی مکان، با تداعی معانی نمادین و ارزشمند جامعه، می‌تواند پیوند و همبستگی مطلوبی میان ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه از یک سو و ویژگی‌های فیزیکی مکان از سوی دیگر شکل دهد؛ به‌طوری‌که هم‌افزایی ایجاد شده بر تقویت و تداوم فرآیندهای روانشناختی/اجتماعی حس مکان مؤثر خواهند بود.

به این ترتیب به مکان در یک ساختار اجتماعی پرداخته می‌شود و می‌توان آن را پیوسته و همبسته با خاطرات، سنت‌ها و ارزش‌های خاص دانست. به بیانی دیگر، مکان با قصه‌ها و خاطراتش، مکان می‌شود. از طریق خاطرات، مردم معنای مکان را می‌آفرینند و با آن پیوند می‌یابند (Scannell & Gifford, 2010, p. 3). در این صورت، بافت فیزیکی مکان و بافت روایتی آن دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند. در نتیجه «مکان»، بنا بر شدت اهمیت و وسعت معنایی آن‌چه در آن روی می‌دهد، می‌تواند بار ارزشی به خود بگیرد و به‌همین دلیل، خود نیز اهمیت و وسعت معنایی بیابد. «رویداد»، ظرف خود (یا مکان روی‌دادن رویداد) را معنادار و ارزشمند می‌کند. با چنین نگاهی، توجه به نقش عناصر و ویژگی‌های فیزیکی مکان برای نمایش قصه‌های جامعه و بیان ارزش‌های تاریخی و جغرافیایی و آموختن آن‌ها به افراد، ضروری خواهد بود. همچنان‌که چاپلند (۲۰۰۸) نیز به استفاده از عناصر فیزیکی خیابان‌ها و میدان‌ها به‌عنوان بستری برای روایت و بازگویی خاطرات، افسانه‌ها، نبردها و اسطوره‌های جامعه تأکید کرده است (Childs, 2008, p. 175). فضای شهری، بستری را شکل می‌دهد که خوناش قصه‌های جامعه را ممکن سازد.

۵. متن فضای شهری: روایت‌کننده قصه‌های جامعه

برای روایت قصه‌های شهر، می‌توان فضای شهر را همچون متنی در نظر گرفت که خوناش قصه‌ها را میسر می‌کند. به بیانی دیگر، شهر را می‌توان کتابی انگاشت که جای جای آن، یادآور قصه‌های مردمانش در گذر زمان است. قیاس فضاهای معماری و شهری با ساختار و کلمات در زبان،

و در جهت جلب حمایت و پشتیبانی ساکنان تأکید شده است (Yanushkevich, 2014, p. 47). باید به‌خاطر داشت نام مکان‌ها چیزی فراتر از نامی بر روی تابلو یا نقشه است. نام‌گذاری مکان‌ها بر اساس روایت‌ها و قصه‌ها، نه تنها در خوانا ساختن شهر و نقش‌انگیزی آن مؤثر است، بلکه پیوند عاطفی میان افراد با مکان‌ها را نیز برمی‌انگیزاند و بازتابی از خاطرات و تجربیات افراد را در مکان به نمایش می‌گذارد. آیین‌ها و مراسم جمعی در مکان‌ها نیز هم تجربه جمعی و قصه‌های جدیدی برای افراد شکل می‌دهند و هم می‌توانند در روایت قصه‌های جامعه نقش داشته باشند. بر همین اساس است که فضاهای شهر به‌عنوان صحنه تئاتر و زمینه‌ای برای نقش‌آفرینی افراد، مورد تأکید قرار می‌گیرند. اما امروزه متأسفانه شاهد کاهش آیین‌ها و مراسم جمعی در شهرهایمان هستیم. در این زمینه، اهری (۱۳۹۰) تذکر می‌دهد، با کاهش تجربه زنده مردم از فضاهای شهری، با از میان رفتن آیین‌های جمعی که خاطره جمعی تولید می‌کرد و آنان را با سنت‌ها پیوند می‌داد، با از دست رفتن فضاهای آراسته و به‌یادماندنی، کتاب قصه شهر، کم حجم‌تر و سطحی‌تر شده است (Ahari, 2011, p. 13). برگزاری مراسم و آیین‌های جمعی علاوه بر روایت قصه‌ها و اسطوره‌های جامعه، با فراهم کردن زمینه‌ای مناسب، بر پیوند افراد با مکان و جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. روتا^۱ و سالونه^{۱۱} (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند، رویدادهای جمعی با تسهیل تعاملات افرادی که به یک مکان یا گروه خاص تعلق دارند و تقویت شبکه اجتماعی پیونددهنده میان آن‌ها از یک‌سو و از سوی دیگر تقویت هویت محلی با ایجاد تصویری پویا و جذاب از رویداد و مکان، نقش قابل توجهی در فرآیند مکان‌سازی و حس مکان دارند (Rota & Salone, 2014, pp. 94-95). هر یک از موارد مذکور با حضور ثابت و یا دوره‌ای خود می‌توانند بخشی از قصه‌های جامعه را در مکان‌های شهری روایت کنند و با ترکیبی خلاق، قصه‌های جدیدی را در خلال قصه‌های گذشته، نقش زنند. جای جای شهر می‌تواند قصه‌هایی برای روایت و یادآوری داشته باشد. ممکن است در برخی مکان‌ها لایه متنی قصه و روایت خاطرات جمعی در حکم لنگری تثبیت‌کننده، نسبت به دیگر لایه‌های متنی شاخص‌تر باشند و در برخی دیگر کم‌رنگ‌تر، ولی در کل هیچ مکانی در شهر نیست که خالی از قصه و روایت باشد. حتی بخش‌های جدید و حومه‌ها نیز می‌توانند با روایت شرایط پیش از توسعه، قصه‌های منطقه‌ای، افسانه‌های جامعه‌ای که انتظار می‌رود در آن‌ها ساکن شوند، دلایل و رویاهای توسعه، قصه‌های مختلفی را برای مخاطب ارائه دهند (Childs, 2008, p. 177). به این ترتیب فضاهای شهری به عنوان یک متن هم قصه‌های گذشته جامعه را روایت می‌کنند و هم می‌توانند بستری برای شکل‌گیری قصه‌های جدید جامعه باشند. مونتگمری (۲۰۰۸) تأکید می‌کند، انتخاب عناصر مهم

همیشه در حال خوانش متونی هستند که خود به عنوان جزئی از آن و به عنوان کنشگری فعال در آن حضور دارند؛ آن‌ها رابطه خود با محیط و فضاهای پیرامون‌شان را بر اساس تفسیرها و معانی‌ای که از این متون دریافت می‌کنند، تنظیم می‌کنند (Davarpanah, 2012, p. 3). افراد به کمک نظام‌های نشانه‌ای در متن شهر، ارزش‌های اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را فرا می‌گیرند و با کندوکاو در پیام‌های آن با عمق تاریخی جامعه آشنا می‌شوند (Golkar, 2008, pp. 95-99). چنین آشنایی و آموزشی، همچنان که پیش از این مطرح شد در تقویت حس هویت جمعی و فردی، دلبستگی به مکان‌ها و در مجموع حس مکان در افراد نقش مهمی ایفا می‌کند. هرآنچه در قالب یک نظام نشانه‌ای (که براساس کدها و قراردادهای اجتماعی و یا فرآیندهای دلالت طبقه‌بندی آن صورت می‌پذیرد) تعریف شود، می‌تواند موضوع یک تحقیق نشانه‌شناختی قرار بگیرد (Dinesen, 2001, p. 8). اما این نشانه‌ها هیچ‌گاه منفک و قائم به‌خود به کار برده نمی‌شوند، بلکه همواره در کنش ارتباطی با نظام‌های نشانه‌ای دیگر هستند که در فرآیند دلالت نشانه و تداعی معانی نقش ایفا می‌کنند. بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، در این فرآیند، نه با نشانه بلکه همواره با متنی روبه‌رو هستیم که خود از لایه‌های متعدد متنی تشکیل شده است (Sojoodi, 2008, pp. 199-201; Sojoodi, 2009, pp. 208-212). آنچه در کلیت متن اهمیت می‌یابد توجه به نقش هریک از لایه‌ها و ارزش‌های مورد نظر آن‌ها و کنش متقابل لایه‌ها در جهت تقویت یا تخریب یکدیگر و همسویی یا تعارض ارزش‌های آن‌ها با یکدیگر است. برای خوانش کلیت متن مکان باید لایه‌های متنی مختلف شامل لایه‌های فعالیت‌ها، کالبد و تصورات یکدیگر را تقویت کرده و ارزش‌هایی همسو را دلالت کنند. در این ترکیب روایت قصه‌ها نیز در قالب یکی از لایه‌های متنی تعریف می‌شود که می‌تواند در عناصر کالبدی و غیرکالبدی نمود یابد. در میان عناصر کالبدی، می‌توان از کارهای هنری (Childs, 2008, p. 179)، حفظ بناهای تاریخی و محلات قدیمی شهر و احداث یادمان‌ها (Mirmoghtadaee, 2009, pp. 14-14) و عناصر و ابزارها و نشانه‌های باقی‌مانده از رویداد در فضا نام برد. علاوه بر عناصر کالبدی، نشانه‌های غیرکالبدی همچون نام فضاها و برگزاری آیین‌ها و مراسم مختلف مهم در هر رویداد و قصه نیز باید مورد توجه قرار گیرند. نام مکان‌ها می‌توانند به صورت نمادین، یادگاری از قصه‌های مکان و جامعه را در خود داشته باشند و حس تعلق خاطر و هویت مکانی افراد را تقویت کنند. بدیهی است نام‌گذاری فضاها با شماره‌ها، اختلالی در نقشه‌های شناختی شهر به‌وجود نمی‌آورند، اما در عین حال با تجربه‌های اجتماعی و ارزش‌های ساکنان نیز آمیخته نشده‌اند. به همین دلیل است که بر نام‌گذاری فضاها با توجه به زمینه‌های تاریخی

به مکان معانی جدیدی می‌بخشند. پیوند و ارتباط با مکان و یا به بیانی دقیق‌تر، حس مکان برپایه معانی نمادینی که به مکان نسبت داده می‌شود، شکل می‌گیرد. ابعاد مختلف حس مکان شامل دل‌بستگی، هویت و وابستگی به مکان با روایت قصه‌ها و اسطوره‌های جامعه تقویت می‌شوند و بخش‌های مختلف آن شامل فرد-محیط و فرآیند اجتماعی/روانشناختی پیوند قوی‌تری با یکدیگر پیدا می‌کنند. از این رو روایت قصه‌ها در متن فضاهای شهری، به تقویت و تداوم حس مکان منجر می‌شود. از آنجایی که حس مکان با فرآیند آموختن درباره مکان تقویت می‌شود و از سوی دیگر، روایت این قصه‌ها در زندگی روزمره افراد وارد می‌شود، تقویت و تداوم حس مکان در گستره وسیعی از افراد جامعه گسترش می‌یابد.

قصه‌های شهر و خاطرات جمعی شهروندان در قالب لایه‌ای متنی در هم‌نشینی با دیگر لایه‌های متنی، کلیت مکان را تعریف می‌کنند. عناصر کالبدی فضا شامل: کارهای هنری، حفظ بناهای تاریخی و محلات قدیمی، حفظ نشانه‌ها و نمادهایی از قصه‌ها و خاطرات در ترکیب با عناصر غیرکالبدی همچون نام مکان‌ها، برگزاری آیین‌ها و مراسم جمعی و معرفی شخصیت‌های اصلی و مهم، روایت قصه‌های مکان را ممکن می‌سازند. قصه‌هایی که با افزایش حس تعلق و دل‌بستگی به مکان و جامعه، هویت مکانی، فردی و اجتماعی همراه هستند و آن‌ها را به نسل‌های بعدی نیز منتقل می‌کنند. به این ترتیب حس مکان را تقویت کرده و تداوم می‌بخشند. در نهایت می‌توان تجربه مکان را از تجربه صرفاً حسی شامل: حواس بینایی، شنیداری، بویایی و لامسه خارج کرد و حافظه، تخیل و توقع افراد را نیز با روایت قصه‌ها به مکان مشغول ساخت و عناصر فیزیکی و ثابت را در روشی نو و پویا، در پیوند نزدیک با افراد قرار داد.

و پایه از گذشته که به تعریف رویدادهای گذشته برای ما به‌عنوان افراد و گروه‌هایی در جامعه، معنی می‌دهند اهمیت دارد (Montgomery, 2008, p. 233). در این راستا فیلیپ و همکارانش (۲۰۱۴) مطرح کرده‌اند برای نمایش قصه‌های شهر، باید در طی فرآیندی مشخص شود که کدام قصه‌ها برای یک جامعه مشخص از اهمیت بیشتری برخوردارند. سپس مشخص شود که کدام‌ها در محیط شهر نمایش داده‌شوند و در نهایت روش‌هایی که این قصه‌ها در محیط نمایش داده می‌شوند، تعیین شود (Filep, Thompson-Fawcett, & Rae, 2014, p. 313). رعایت این موارد سبب می‌شود لایه‌های مختلف متنی فضاهای شهری برای تعریف روایتی از شهر، در ترکیبی همسو و تقویت‌کننده و به‌صورتی خلاق با یکدیگر ترکیب شوند و پیوند عمیق‌تری میان افراد با مکان برقرار شود.

۶. نتیجه‌گیری

برای پرداختن به مکان‌ها باید در نظر داشت، کیفیت و ویژگی‌هایشان فراتر از ویژگی‌های فیزیکی است و ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه را نیز شامل می‌شود. در قالب رویکردی یکپارچه می‌توان از نمایش و روایت قصه‌ها و خاطرات جامعه به‌عنوان حلقه اتصال عناصر و ویژگی‌های عینی و ذهنی مکان بهره برد. به این ترتیب درهم تنیدگی مکان با ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه، هماهنگ شدن افراد با مکان و تقویت و تداوم ارتباط آن‌ها را در پی خواهد داشت.

با چنین نگاهی شهر و فضاهایش، متنی می‌شوند که پیام و معانی نمادین جامعه را به فرد منتقل می‌کنند و در عین حال افراد با حضور و رفتار خود متنی دیگر می‌آفرینند و

پی‌نوشت

۱. ۶۰ درصد مقالات چاپ شده در مجلات تخصصی در این زمینه، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ بوده است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به (Lewicka, 2011).
۲. کتاب معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن.

3. Subjective

۴. رلف سلسله‌مراتب هفت‌گانه‌ای را برای تجربه حضور فرد در مکان ارائه کرده است: برون بودن وجودی، برون بودن عینی، برون بودن اتفاقی، درون بودن با واسطه، درون بودن رفتاری، درون بودن عاطفی، درون بودن وجودی (Relph, 1976, pp. 51-54).

5. Sense of community

6. Shumaker

7. Taylor

8. Stedman

9. Roland Barthes

10. Rota

11. Salone

References

- Ahari, Z. (2011). City, Ceremony, Collective Memory A Study on the Relation of Ceremonies and Urban Spaces in Safavid and Qajar Eras. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va Shahrsazi*, 3(47), 5-16.
- Altman, I., & Low, S.M. (1992). *Place Attachment*. New York, NY: Plenum Press.
- Assche, K.V., Duineveld, M., Jong, H.D., & Zoest, A.V. (2012). What Place is This Time? Semiotics and the Analysis of Historical Reference in Landscape Architecture. *Journal of Urban Design*, 17(2), 233-254.
- Barthes, R. (1977). *Image, Music, Text*. (Heath, S, Trans.). London: Fontana.
- Boyer, C.M. (1994). *The City of Collective Memory*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Calvino, I. (2009). *The Invisible Cities*. (Raysi, B, Trans.). Iran, Tehran: Ketab-e-Khorshid Publication.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places-Urban Spaces*. Oxford: Architectural Press.
- Childs, M.C. (2008). Storytelling and Urban Design. *Journal of Urbanism*, 1(2), 173- 186.
- Davarpanah, A. (2012). *Introduction to Management and Application of Signs and Symbols in Urban Space*. Iran, Tehran: Daryaft Publication.
- Depriest-Hricko, L.R., & Prytherch, D.L. (2013). Planning and Sense of Place in a 'Dying' Downtown: Articulating Memories and Visions in Middletown, Ohio. *Journal of Urban Design*, 18(1), 145- 165.
- Dinesen, A.M. (2001). *Grundbogi Wemiotik (Introduction to Semiotics)*. (Ghahreman, M, Trans.). Iran, Abadan: Porsesh Publication.
- Droseltis, O., & Vignoles, V.L. (2010). Towards an Integrative Model of Place Identification: Dimensionality and Predictors of Intrapersonal-level Place Preferences. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 23-24.
- Falahat, M.S. (2006). The Concept of Sense of Place and Its Factors. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 1(26), 57-66.
- Filep, C.V., Thompson-Fawcett, M., & Rae, M. (2014). Built Narratives. *Journal of Urban Design*, 19(3), 298-316.
- Golkar, K. (2008). Concept Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach through to Sustainable Approach. *Journal of Environmental Sciences*, 5(4), 95-114.
- Guiraud, P. (2001). *Semiotics*. (Nabavi, M, Trans.). Iran, Tehran: Agah publication.
- Habibi, S.M. (2012). *Tale of the City; Tehran, Iranian Modernist Symbol of the City*. (2nd Ed.). Iran, Tehran: Tehran University Press.
- Hay, R. (1998). Sense of Place in Developmental Context. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 5-29.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Property Owners' Attitudes toward their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2006). A Comparative Analysis of Predictors of Sense of Place Dimensions: Attachment to, Dependence on, and Identification with Lakeshore Properties. *Journal of Environmental Management*, 79, 316-327.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2011). Measuring the Spatial Component of Sense of Place: A Methodology for Research on the Spatial Dynamics of Psychological Experiences of Places. *Environment and Planning. B, Planning & Design*, 38, 795-813.
- Kudryavtsev, A., Stedman, R.C., & Krasny, M.E. (2012). Sense of Place in Environmental Education. *Environmental Education Research*, 18(2), 229-250.
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 28, 209-231.
- Lewicka, M. (2011). Place Attachment: How Far have we come in the Last 40 Years? *Journal of Environmental Psychology*, 31(3), 207-230.
- Manzo, L.C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Mirmoghtadaee, M. (2009). The Criteria for Evaluation of Formation, Remembering and Recording of Collective Memory. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 37, 5-16.
- Misra, Sh., & Stokols, D. (2012). A Typology of People- Environment Relationships in the Digital Age. *Technology in Society*, 34, 311-325.
- Montgomery, J. (2008). *The New Wealth of Cities; City Dynamics and the Fifth Wave*. Hampshire: Ashgate.
- Nielsen-Pincus, M., Hall, T., Force, J.E., & Wulfhorst, J.D. (2010). Sociodemographic Effects on Place Bonding. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 443-454.
- Pretty, G.H., Chipuer, H.M., & Bramston, P. (2003). Sense of Place Amongst Adolescents and Adults in Two Rural Australian Towns: The Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 273- 287.
- Proshansky, H.M. (1978). The City and Self-identity. *Journal of Environment and Behaviour*, 10, 57-83.

- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Relph, E. (2007). Spirit of Place and Sense of Place in Virtual Realities. *Techne*, 10(3), 17-25.
- Rosenthal, G., & Fischer-Rosenthal, W. (2004). *The Analysis of Narrative Biographical Interviews*. in U. Flick, et al. (eds) *A Companion to Qualitative Research*, London: Sage.
- Rota, F.S., & Salone, C. (2014). Place-making Processes in Unconventional Cultural Practices. The Case of Turin's Contemporary art Festival Paratissima. *Cities*, 40, 90-98.
- Sacco, P.L., & Blessi, G.T. (2007). *Urban Regeneration, Culture and Happiness; Bridging Communities through Cultural Policies: A Theoretical Framework*. Policy for Happiness, Siena, 15 – 16.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 1-10.
- Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.
- Shumaker, S.A., & Taylor, R.B. (1983). *Toward a Clarification of People-place Relationships: A Model of Attachment to Place*. In Feimer, N., and Geller, E.S. (Eds.). *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*. New York, NY: Praeger.
- Sojoodi, F. (2008). *Applied Semiotics*. (2nd Ed.). Iran, Tehran: Elm Publication.
- Sojoodi, F. (2009). *Semiotics: Theory & Practice*. Iran, Tehran: Elm Publication.
- Spartz, J.T., & Shaw, B.R. (2011). Place Meanings Surrounding an Urban Natural Area: A Qualitative Inquiry. *Journal of Environmental Psychology*, 31, 344-352.
- Stedman, R.C. (2003). Is It Really Just a Social Construction? The Contribution of the Physical Environment to Sense of Place. *Society and Natural Resources*, 16, 671-685.
- Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. Boston, MA: CBI Publishing Company.
- Stokowski, P. (2008). *Creating Social Senses of Place: New Directions for Sense of Place Research in Natural Resource Management*. General Technical Report. PNWGTR-744. Portland, OR: U.S. Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station.
- Summerson, H. (2012). Visiting the Past (Review Article). *Journal of Historical Geography*, 38, 192-195.
- Taylor, R.B., Gottfredson, S.D., & Brower, S. (1985). Attachment to Place: Discriminant Validity, and Impacts of Disorder and Diversity. *American Journal of Community Psychology*, 13, 525-542.
- Tuan, Y.F. (1974). Space and Place: Humanistic Perspective. *Progress in Geography*, 6, 233-246.
- Tuan, Y.F. (1975). Place: an Experiential Perspective. *The Geographical Review*, 65, 151-165.
- Tuan, Y.F. (1977). *Space and Place*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Twigger-Ross, C.L., & Uzzell, D.L. (1996). Place and Identity Processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 205-220.
- Williams, D.R. (2014). Making Sense of Place: Reflections on Pluralism and Positionality in Place Research. Perspective Essay. *Landscape and Urban Planning*, 131, 74-82.
- Yanushkevich, I. (2014). Semiotics of Social Memory in Urban Space: The Case of Volgograd (Stalingrad). *International Journal of Cognitive Research in Science, Engineering and Education*, 2(1), 43-50.

Reading Society's Stories from the Urban Space as a Text: Corroboration and Continuation of Sense of Place*

Mahnoush Shahinrad^a- Mojtaba Rafieian^{b**} - MohammadReza Pourjafar^c

^a Ph.D. of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

^b Associate Professor of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

^c Professor of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received 11 February 2015; Revised 16 March 2015; Accepted 11 April 2015; Available Online 22 September 2019

ABSTRACT

During the recent years, despite the suffusion of the globalization discussions and expansion of the relationships in the virtual world, the place and sense of place are still in the focal point of the attention in many of the theoretical and empirical studies. The importance of integrating the objective and subjective approaches into these concepts underlines the balance and equilibrium in concomitantly dealing with the physical properties of the places and the social and cultural values of the society. In this regard, narrating the society's stories, including memories, beliefs, values and myths in the urban space, would be effective in the strengthening of the bond with them. This is while the majority of the prior stories and events are neglected in dealing with urban spaces and places. Thus, it is necessary to deal with the society's narrations in the text of urban space as the factor connecting the individuals to their living environments. The present article investigates the role of the society's stories and their narrations in respect to the fortification of the sense of place. The main question is that how the sense of place can be reinforced and continued by the assistance of the narrations and readings of the society's stories in the urban spaces? To do so, use has been made of a descriptive-analytical method to firstly review the texts and theories related to this issue and explore the experts' concepts and notions; then, the primary concepts' interrelationships are explicated and analyzed. Based on the positive and corroborating effect of the narrations of the place stories on the sense of place and within the format of the layered semiotic approach, the urban space will be introduced as a text and its stories are consequently considered as the textual layers. In order to preserve the coherence of the place's text in whole, the role and value of the various layers of the place's text- activities, form and imaginations- should be aligned with and strengthening the value and role of the textual layer of the place's stories. To display the stories, it has to be specified within a context that which stories are of greater importance to society. Then, the physical and non-physical methods and elements showcasing them should be determined.

Keywords: Sense of Place, Story, Memory, Urban Space, Layered Semiotics, Text.

* This article is an excerpt from a dissertation by the first author under the title "Elaborating the conceptual framework of the urban space's meaning and sign and sustainable interaction therewith; case study: public spaces in Tehran" as advised by the second author and third author in the Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.

** E_mail: rafiei_m@modares.ac.ir

1. INTRODUCTION

As it is emphasized by Montgomery, successful cities will be in need of balance and equilibrium between traditionalism and modernism, sense of place and image, economic dynamicity and quality of life during the upcoming fifty years in the course of a long leap in economic and cultural development (Montgomery, 2008, p. 231). Based thereon, it can be stated that the integration and collinearity of the objective properties of the urban environment and sociocultural values of the communities are of great importance as the subjective attributes. Sense of place or the subtle bond between the individuals and places is amongst the important concepts that were the focal points of the theoretical and empirical researches on the cities and their spaces for years. Sense of place is formed with experiencing an environment and based on a symbolic meaning attributed to an environment (Spartz & Shaw, 2011, p. 345). These meanings, as well, are formed based on the properties of the environment, individuals' experiences and society's values.

Urban spaces and their elements and features bring testimony to what has happened and display the values, beliefs and opinions of the society. Thus, it can be stated that the individuals are consciously or unconsciously faced with and recall signs of the cultural-social events, people and places of different kinds upon encountering the city's landscape. This is while the negligence of the previous values and narrations of the places and citizens causes the elimination of the memorial spaces and superficiality of the individuals' relationships with these spaces.

As it is opined by Scannell and Gifford (2010), individuals get connected to a place through their shared historical experiences, values and symbols (Scannell & Gifford, 2010a, p. 2). This way, the elements of place and experiences and common values of the society together lead to the corroboration and connection of the individuals with the places. The signs of these common experiences and values of the society can be traced everywhere in the city and its spaces. It can be stated that the cities have images of the past like lines on the palm of a hand; this is a past that has been manifested in every corner of the streets and in every part of the various sections of the space (Calvino, 2009). So, place can be realized as a media and instrument narrating the past within the format of the society's stories. Such a bond between the place and society's stories can be considered as a sort of social capital and named the city's and its spaces' narrative texture that would be per se enumerated as a vital and essential part of sense of belonging and attachment to the places (Chris, 2008, p. 176). Efforts have been made in the present article to investigate the role of the city's and society's stories narration in the corroboration of sense of place and the quality of dealing with them in the urban spaces. Reminding of the city and society's incidents, events and stories

enables the enrichment of the book of the city's stories and corroboration and continuation of the individuals' bonds with places.

2. INTEGRATED APPROACH TO PLACE

Since 1970s, the important difference between space as a geographical position and a container of the human activities from the place as the meaningful phenomenon was paid attention by the experts of the human geography (Tuan, 1974, 1975, 1977; Relph, 1976). This way, the place was given an important role in the researches on the place identity (Proshansky, 1978), place attachment (Taylor, Gottfredson, & Brower, 1985) and sense of place (Steele, 1981). But, according to the increase in the displacements, globalization and its effects, the daily increasing homogenization of the spaces and their subsequent loss of their unique personalities and cultural distinctions (Lewicka, 2011, p. 209) as well as the expansion in the individuals' communications in the virtual environments during the digital era (Misra & Stokols, 2012, p. 311) seem to have caused the diminishment of the importance of the places to the individuals as well as the reduction in the people's meaningful relationships with them (like sense of place, place attachment and so forth). However, as pointed out by Lewicka (2011), it is observed in spite of the foresaid expectation that the increase in the number of the non-places not only has not caused the places to lose their importance and position but it is also made clear in an investigation of the results obtained from hundreds of the theoretical and empirical studies that the place is still recounted as a subject and goal for the individuals' relationships, especially affective ones. The numerosity and extensiveness of the researches that have recently dealt with this subject testify to this claim¹ (Lewicka, 2011, p. 207).

During the past years, two main streams can be identified in regard of what constructs the quality of the places. The first one includes such experts as Cullen and his followers who emphasize the physical aspects- designing methods, decorations and combination of the features and elements, quality of expanding the buildings towards the external spaces, gates, views and landscapes, landmarks and so on. Such an approach adopts a classic, objective and rational look at the urban designing and the place's qualities, in general. In the second stream, experts like Alexander² underline the psychological aspects of the place as the internal guides to the urban places in such a way that the individuals' mentalities are trusted for the identification of the safe, comfortable, lively, calm or threatening places. This approach is a subjective and romantic look at the urban designing and conceptualization of place (Montgomery, 2008, p. 268). In between, despite the existence of many studies and researches, it seems that the gap between the objective and subjective approaches to the place has not been bridged in such a way that the majority of the

theories on place have become inclined towards one of these two approaches whereas an intermediate position should be taken that equally pays attention to both of them and organizes the numerous spatial-objective and subjective elements that support one another in an integrated whole. As stated by Montgomery (2008), if we wish to blend these approaches with one another, we would see that the quality of the urban places should be taken into consideration within the format of more extensive and more macro-level concepts of the physical properties like buildings, spaces and streets' patterns and it has to be noted that the concept of quality is associated with cultural, psychological and social dimensions (Ibid, pp. 268-269).

As it has also been posited previously by Relph (1976) and Tuan (1977), as well, places incorporate the physical environment as well as the human experiences and interpretations. In this case, the place can be realized as a geographical domain distinguished from the other places by means of the special cultural and social qualities and values like names, stories and common memories that are related to them as well as the intensity and diversity of the meanings the people attributed to them or receive from them. The thing that becomes important here is the convergence of the physical and social attributes of the place in such a way that the place's physical elements and properties should be in a manner that their readings by the individuals are aligned and stretched along the same line with the unique cultural and social values of that place hence corroborating them. Meanwhile being a thing and a background of things, elements and events, past and present (Assche, Duineveld, Jong, & Zoest, 2012, p. 238), a place is the flourish and embodiment of the unique cultural and social values within the format of the people's memories and stories of them hence effective in perceiving the distinction from the other places and corroboration of the bond between the individuals and the places.

3. SENSE OF PLACE AND ITS DIMENSIONS

Many believe that sense of place can be realized as the best concept defining the relationship and the bond between the individuals and places. This concept has been investigated from various perspectives and underlined from various aspects since the time it was posited in the human geography studies till now (Relph, 1976; Tuan, 1974, 1975, 1977). In between, there are two primary and dominant approaches identifiable. As the first approach, phenomenology realizes it difficult and complicate to offer a precise definition of the aforementioned concept and finds its perception like any other phenomenon as being dependent on the individuals' direct experience in such a way that, from this approach, sense of place is the bond and relationship with place that is formed through perceiving of the meanings, symbols and daily activities by direct experience (Relph, 1976,

P. 4; Shamai, 1991, P. 347; Falahat, 2006, pp. 58-59; Carmona, Heath, & Tiesdell, 2003, p. 96). In the simplest definition, sense of place has been introduced as the ability of recognizing and perceiving the various properties of the places and establishing relationship with it in proportion with the comprehension of this difference. Relph (2007), as well, offers such a definition for sense of place and considers it as the basis of the distinction between sense of place and spirit of place (Relph, 2007, p. 19). Along with the phenomenological approach, the amalgamation of the various indicators and/or study and evaluation parameters has been introduced; for example, the seven levels posited by Relph regarding experiencing the presence in a place³ and/or the seven-level scale suggested by Shamai (1991) for the assessment of the levels of sense of place can be pointed out (Shamai, 1991, p. 349).

The second approach is a behavioral approach to sense of place. In this approach that looks at the sense of place through environmental psychology lens, emphasis is made on the affective, cognitive and behavioral meanings that are attributed to a given place and their effects on the relationships and bonds with place. Many of the experts and researchers consider sense of place as a multidimensional concept including knowledge, beliefs and opinions, affections and emotions and behaviors as well as interventions in relation to a certain geographical area (Altman & Low, 1992, p. 5; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 276). Therefore, sense of place is considered as the set of bonds between the individual and the place that includes the affective (emotional), cognitive and behavioral aspects (Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulforth, 2010, p. 443). Place is also understood as a unit of environmental experience in the form of the convergence between cognition, emotion and behaviors of the people experiencing it (Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 273). Adopting such a perspective, researchers consider sense of place as a multidimensional concept and have used various combinations of its constituent dimensions in their assessments and measurements.

Some of the researches have defined a sense of place based on the environmental psychology approach as a mixture of two primary and supplementary concepts including place attachment and meaning of place. Place attachment points to the bond between the individual and the place and the value given by the individual to a place. In other words, it is enumerated amongst the indices used for assessing the extent to which a place is important to a person. The meaning of place, as well, is a symbolic meaning attributed by the individuals to a place.

These meanings are rooted in the physical environment and the activities being performed therein and they are simultaneously dependent on the cultural backgrounds, social and political and economic interactions and the aesthetical perspectives of the individuals. In

sum, it can be stated that the sense of place is the format within which the place attachment reflects the intensity with which the individuals are attracted to a place whereas the meaning of place specifies the reason for such an attraction (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, pp. 230-233; Williams, 2014, p. 78). Some of the other researchers know dimensions of sense of place as including place attachment, sense of belonging to the community and place dependence. In this regard, sense of belonging to the community is associated with the social properties of the place and induces the individual with the feeling that s/he belonged to an available, supportive and reliable system. But, in place attachment, the feelings and affective bond are not solely related to the social environment rather they also encompass the physical properties of the environment, as well. In the end, the place dependence, as well, embraces the individual's purposive behavioral aspect (Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, pp. 273-275). Stedman (2003), as well, concomitantly emphasizes on the physical aspects and, in the meantime, empirical and interpretational aspect of the individual's understanding of a place to find it in a definition of sense of place as being comprised of meaning, attachment and satisfaction. In this regard, place attachment has been considered as a positive emotional bond between the people and the environment. Place satisfaction, as well, has been introduced as a brief evaluation of the quality perceived of the environment and it is analytically different from the place attachment (Stedman, 2003, p. 672). In the end, there is another model of sense of place defining

it as a multidimensional concept that includes all three emotional, cognitive and behavioral aspects. Many of the researches, as well, have used the model consisted of the three psychological concepts of attachment, dependence and identity as measurable constructs for organizing the bond between the people and the place. Therefore, sense of place is introduced as a complex psychological-social concept organizing the affective, cognitive and conative bonds of the individuals with the place (Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulfhorst, 2010, p. 443; Jorgensen & Stedman, 2001, pp. 233-238; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003, p. 275). Place attachment is a positive bond established between the groups or individuals with the environment. The emotional and affective aspect of this bond has been clearly highlighted in such a way that it is stated that the individuals' affective relationship with the environment is beyond the recognition, preference or judgement (Jorgensen & Stedman, 2001, p. 234). The place identity is expressive of the individual's identity in respect to environment. In this regard, there is a complicated pattern of individuals' beliefs, preferences, emotions, values, goals and skills that influences the establishment of such a relationship in proportion to the intended environment in a conscious or unconscious manner (Proshansky, 1978, p. 155). Place dependency, as well, is indicative of the idea that to what extent a place as compared to the other similar places sets the auspicious grounds for individuals' achievement of their goals and getting their interesting activities done (Jorgensen & Stedman, 2006, p. 318).

Table 1. Various Dimensions of Sense of Place-Environmental Psychology Approach

Various Dimensions of Sense of Place	Experts and Researchers
Place attachment	Kudryavtsev, Stedman, & Krasny (2012); Williams (2014)
Meaning of place	
Place attachment	Pretty, Chipuer, & Bramston (2003)
Sense of belonging to community	
Place dependence	
Meaning of place	Stedman (2003)
Attachment	
Satisfaction	
Affective	
Cognitive	Nielsen-Pincus, Hall, Force, & Wulfhorst (2010); Jorgensen & Stedman (2001)
Behavioral	

In the present study, sense of place is considered as a multidimensional concept expressing the affective bond with the environment and, in the meantime, including the values, signs and cultural meanings ascribed to a place (Jorgensen & Stedman, 2001, 2006, 2011; Stedman, 2003). Based thereon, sense of place incorporates three aspects: a) affective aspect or place attachment which is the positive emotional bond between the individuals and environment; b)

cognitive aspect that is the recognition and belief of the individuals in relation to the environment and c) behavioral aspect that is somehow expressive of the individual's unique behavior in a place in contrast to the other places and an individual's selection of a place as a suitable ground for the achievement of goals and performing of his or her interesting activities.

The formation and corroboration of sense of place occur for the individuals internally and with the

experiencing of the space. At first, the importance of the place is perceived for the individual in relation and association therewith. Then, the interpretation of the experiencing of the place gives rise to the formation and feeling of sense of place as a meaningful experience (Stokowski, 2008). Relph (2007) is of the belief that sense of place can be perceived and formed by precise observation and giving value to the differences existent between the places. Therefore, it can be considered as a type of ability that is shared in the society and showcased within the format of a mixture of pride and commitment to enhancement place by means of a shared feeling of the local history and geography (Relph, 2007, p. 19). In other words, sense of place is formed and corroborated by direct experiencing of the places and indirect learning about them (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, p. 239). Therefore, proper paving of the way for experiencing and learning the local historical and geographical values and their differences from the other ones would be effective in the strengthening of the sense of place in the individuals. On the other hand, it can be claimed that such a feeling is also a social sense the same way that the feeling of continuity, belonging and security formed inside the individuals in sacred spaces as well as the social processes of attending these spaces and narrating of their stories are enumerated amongst the prominent examples of the collectivity of the sense of place and its various aspects (Droseltis & Vignoles, 2010, p. 32). Based on this approach, such a role as reminding and exhibiting the society and the city's memories and stories that are per se unique properties and dimensions of the places can be investigated in respect to the continuation of the sense of place.

4. NARRATING THE STORIES OF PLACE: CORROBORATION AND CONTINUATION OF SENSE OF PLACE

Narrations and stories are considered as forces linking the individuals, times and various places. The society's narrations set the ground for displaying the society's continuation and distinction. Thus, they influence the bonds between the society members with one another and with their living environment. It is stated in a definition of sense of place that it is a collection of individual and collective narrations and stories that co-occur with the place (Falihat, 2006, p. 58). In this regard, Johnston (1990), as well, claims that our sense of place and our society are rooted in the narration (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, p. 238). The collective stories and narrations originate from the society members' collective memories. The formation of memory, as well, is always based on the incident/event. In other words, events change the ordinary course of life and make memories. The memory formation process, as well, can be considered as the occurrence of an event and formation of memory as well as the objects, places and names for reminding

and inducing of the memory (Mirmoghtada'ei, 2009, p. 7). In this regard, the remembering and inducing of the collective memories in the form of the society's stories and narrations within the urban places as the texts and activities have positive and fortifying effects on the relationship and bond between an individual and the place. In addition, Lewicka (2008) has come to the conclusion in research on two European cities that the collective memory is the strong basis and essence for the people's relationship with their cities (Lewicka, 2008, p. 226). According to the fact that the place's memories are predominantly enumerated amongst the social phenomena, it can be stated that they are more dependent on the collective and social factors than on the individuals' psychological differences hence effective in the strengthening of the sense of place in the society's vast level.

Designing the city and its landscape has rarely been indifferent to the history and the past. Signs of past has been even traceable in the designing of the spaces during the peak of modernism (Assche, Duineveld, Jong, & Zoest, 2012, p. 233). However, paying attention to the past and reminding the individuals of it during the contemporary era is envisaged necessary more than before. As underlined by Summerson (2012), individuals need to feel the past as much as or even more than they need to know about the past in the present time. Therefore, the physical relationship and the sensory experiencing of signs of the past have drawn a lot of attention as methods effective for provoking and eliciting sensory responses in the individuals to the past (Summerson, 2012, p. 192).

In this regard, narrating of the past events and memories can be an appropriate instrument for sharing them with others as an outcome and/or process in such a way that they can be reconstructed and resultantly a common conception can be gained about them (Rosenthal & Fischer-Rosenthal, 2004, p. 259). It can be stated that collective storytelling plays an essential role in the corroboration of the sense of place in the individuals in such a way that these narrations occasionally play an important role in comparison to the environment's physical changes for the variegation of the meaning of place (Kudryavtsev, Stedman, & Krasny, 2012, p. 238).

Narrating the past incidents and memories in the urban spaces play a considerable role in the formation and diversity of the meaning of place in various levels as well as the various dimensions of sense of place (identity, attachment and dependence). On the one hand, the knowledge acquired by the individuals in the important places inside the city and their living places gives importance to them personally (Scannell & Gifford, 2010, p. 3) in such a way that these values help individuals find themselves socially and/or symbolically associated with certain places. The narrative relationship, including the narration of the stories of the place or its name, is amongst the instruments playing a considerable role in forming

the individuals' place identity in such cases as lineage relationship (hometown), economic relationship (proprietorship and workplace), feeling of distance or absence (migration or destruction of place in a catastrophe) and spiritual and religious relationships (holy places, cultural or pilgrimage spaces) (Droseltis & Vignoles, 2010, p. 26) because it is expressive of the individual's attachment to a reliable and supportive social system for an individual. Embodiment and revealing of the society's narrations in their spatial domain contributes to the individuals to know in what story or stories they are playing a role or to what part of which stories they belong. In this case, they can better understand their individual and social identity (Filep, Thompson-Fawcett, & Rae, 2014, p. 298). The city's stories are narrations originated from the collective memories of the citizens that showcase the history as well as the future dreams so they are enumerated amongst the important factors for understanding and recognizing their social-cultural identity of them. As it is pointed out by Ahari, "the city's residents construct the city's story with their collective memories and give themselves a collective identity by reading and retelling these stories" (Ahari, 2011, p. 6).

On the other hand, numerous studies have concluded that place attachment is strengthened under the conditions that the place becomes the locus of the important incidents' occurrence and if the reminding and introducing of the memorable periods and events of the city and society have been taken into account therein (Twigger-Ross & Uzzel, 1996, p. 214; Scannell & Gifford, 2010, p. 3; Manzo, 2005, p. 78). If a city could preserve the places' memories and events, it would also conserve the belonging to them, as well,

because the remembering of the past memories forms a sort of sense of continuity and the individuals are given a sense of durability in the today's constantly changing world. Additionally, awareness of the history of the place, as well, assists the corroboration of place attachment (Hay, 1998, p. 6; Lewicka, 2008, p. 211).

In the end, the occurrence of certain events in the places causes them to have special meanings for the individuals. The pilgrimage in the sacred places or the showcasing and retelling of the stories and myths in historical sites are amongst the distinct examples in this regard (Scannell & Gifford, 2010, p. 6). It can be stated that the past stories and narrations can set the ground for the formation of the new stories and narrations, as well, in such a way that the places are experienced as arenas for certain events and interaction with various time spans.

Therefore, it can be stated that the events and places are deeply interwoven and they cannot be imagined separate from one another (Depriest-Hricko & Prytherch, 2013, p. 147; Mirmoghtada'ei, 2009, p. 7). Boyer, as well, defines the city in his book "city, the collective memory" as a reality of the collective memory (Boyer, 1994, p. 146). Dealing with memories in the city, reading the history and people's stories occur in a present time's text. These memories are capitals and heritages that exist in a collection of the urban capitals, including the physical, natural, human, social and cultural and symbolic capitals (Sacco & Blessi, 2007, p. 4) in various parts of the city and they should be preserved and transferred to the future generations. This way, the memory of the important events of the society can be eternalized for the various generations thereby to keep on the sense of the place.

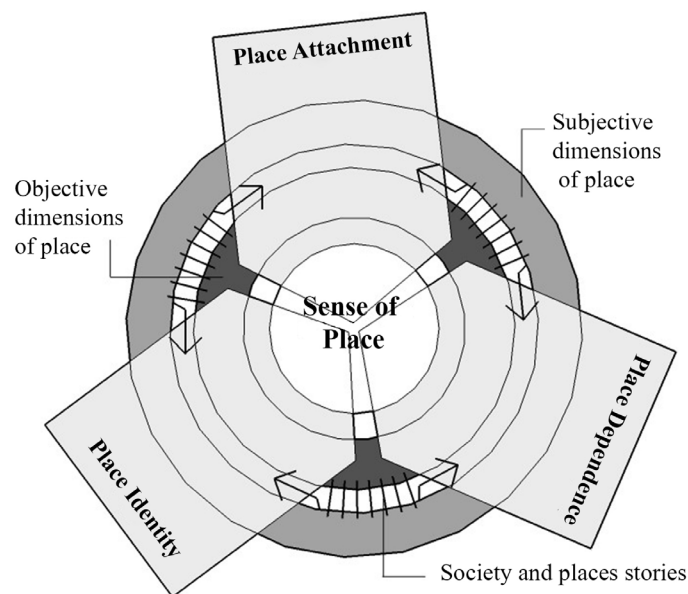


Fig. 1. The Society's Stories as the Linkers of the Subjective and Objective Dimensions of the Place and Corroborators of the Dimensions of Sense of Place

It was made clear up to here that the narration of the society's and place's stories has a positive effect on each of the three dimensions of sense of place. But, most of the studies related to the sense of place have been concentrated on the relationship between the psychological/social processes and human behaviors or the individuals' sociocultural properties whereas the physical environment can offer values, beliefs and social inclinations of the society and similar subjects during the time thereby to showcase unique qualities of the place and the local and cultural distinctive aspects of the society and influence the individuals' bond with the environment as well as their behaviors. However, there is a scarcity of information as to which places possess more potential for establishing interaction and/or which of the place's characteristics exert more considerable effect on the various aspects of the bond with the place (Jorgensen & Stedman, 2011, p. 795; Stedman, 2003, pp. 671-682; Lewicka, 2011, pp. 223-226). What is evident in this regard is the effect of the environment's properties and elements on the sense of place. Some of the researchers like Shumaker and Taylor (1983) believe that there is a direct relationship between the elements of landscape and sense of place in such a way that the individuals become attached to the places due to the prominent physical elements in them. Some of the others like Stedman (2003) are of the belief that physical properties of the place indirectly influence the sense of place in such a way that the physical properties are recounted as a sign of the symbolic meaning and sense of place is formed based on these symbolic meanings and their interpretations (Stedman, 2003, p. 674). Following the model offered by Stedman, it can be stated that the exhibition and offering of the narrations and stories of the society in the physical environment of the place can bring about a favorable bond and solidarity between the society's social-cultural values, on the one hand, and the place's physical properties, on the other hand through associating the symbolic and valuable meanings of the society in such a way that the created synergy would be effective in the corroboration and continuation of the psychological/social processes of the sense of place. This way, the place is approached in a social structure and it can be realized as associated and correlated with memories, traditions and special values. Put it differently, a place becomes a place with its stories and memories. It is by the memories that the people create the meaning of place and become connected with it (Scannell & Gifford, 2010, p. 3). In this case, the place's physical and narrative textures form two sides of a coin so place can become valuable based on the importance intensity and meaning vastness of the thing that takes place therein and it is by the same reason that it per se becomes also important and acquires vastness in its meaning. "Incident" gives meaning and value to its container (or the place wherein it occurs). Adopting such an approach makes it necessary to pay attention to the role of the physical properties and

elements of the place for showing the society's stories and expressing the historical and geographical values and teaching them to the individuals the same way that Childs (2008) has also emphasized applying the physical elements of the streets and squares as grounds for narrating and retelling the society's memories, fables, fights and myths (Childs, 2008, p. 175). Urban space forms a bed that renders it feasible to read the society's stories.

5.URBAN SPACE AS A TEXT: NARRATOR OF THE SOCIETY'S STORIES

For narrating the city's stories, the urban space can be considered as a text facilitating the reading of the stories. In other words, city can be considered as a book every corner of which reminds of the people's stories in the course of time. Comparison of the architectural and urban spaces with the structure and words in language has been the subject of various studies and taken into consideration now for years as Victor Hugo also realizes city and architecture as a writing that has recorded ideas and thoughts of the communities in pages of a large book. Roland Barthes explicitly states in the "Empire of Signs" that city is a text. Lynch and Christopher Alexander, as well, generalize the concept of text to the reality of the city in their scientific and empirical expression of the city. The thing that is notable in a comparison of a book with the city for the narrating of the society's values and history is that a book might be forgotten or ignored but the urban environment is the daily dwelling place and its elements remain persistent for a while can every day remind individuals of some important points. Therefore, city and its spaces can transfer the city and community's information to the other generations and cultures more exciting than every historical book. Furthermore, the information's accessibility by the general public and it's not being restricted to certain individuals help conserve the past values and history and corroborate the city's memory and memoir. As it has also been emphasized by Montgomery (2008), urban landscapes play an important role in forming and stabilizing the cultural values in the community (Montgomery, 2008, p. 234).

This way, the context of the urban space can be employed for narrating the society's stories. Barthes, as well, believes that it is now for thousands of years that storytelling has become an inseparable part of the human beings' life not only in oral and written forms but also in such various forms as built environment (architecture and city) (Barthes, 1977, p. 79). Habibi (2012), as well, compares city with a story for the reason that both of them are the result of the reproduction of the ideals and discretions of the people who are rooted deep in the past, live the present time and have their eyes on future (Habibi, 2012, p. 1). Under such circumstances, a physical environment acts like a medium displaying the stories of a special

culture. The same way that painting, music and dance differ from the written stories, urban design and urban spaces, as well, use their own methods for narrating the society's narrations and stories (Childs, 2008, p. 173). Considering city and urban spaces as a text provides for realizing it as a system of signs like any other text (Assche, Duineveld, Jong, & Zoest, 2012, p. 236). As believed by Davarpanah (2012), these signs are sometimes rule-oriented and based on the social contracts and occasionally placed at one another's side in a not so much rule-based manner. However, this composition, whether formed based on certain programmed or randomized regulations or not, forms a text that is always exposed to "reading"; therefore, citizens are always busy reading the texts wherein they are present as a part and as an active actor. They regulate their relationship with the environment and peripheral spaces based on the interpretations and meanings they receive from these texts (Davarpanah, 2012, p. 3).

Using the semiotic systems in the context of the city, individuals learn the society's social, historical, economic and cultural values and become familiar with the historical depth of the society via exploring its messages (Golkar, 2008, pp. 95-99). As it was also mentioned before, such a familiarity and instruction plays an important role in corroborating the sense of individual and collective identity, place attachment and, in sum, the sense of place in the individuals. All the things that are defined within the format of a semiotic system (based on the social codes and contracts and/or the implicative processes of its categorization) can become the subject in the study of signs and semiotics (Dinesen, 2001. P. 8). But, these signs are never utilized in separate and in a stand-alone manner rather in communicative interaction with other semiotic systems that play a role in the process of the signs' implications and meanings' association. Based on the layered semiotic approach, we are faced not with signs but with texts that are each per se composed of numerous textual layers (Sojoodi, 2008, pp. 199-201; Sojoodi, 2009, pp. 208-212). What the great importance in the text, in general, is paying attention to the role of each of the layers and their intended values and the layer's mutual interaction parallel to the corroboration or destruction of one another as well as their values' collinearity or contradiction of one another. To read a place's text in whole, the various textual layers, including the layers of activities, form and imaginations, should corroborate one another and imply collinear values. In this combination, the narration of the stories, as well, is defined within the format of one of the textual layers that can be manifested in physical and non-physical elements. Amongst the physical elements, artworks (Childs, 2008, p. 179), conservation of the historical buildings and city's old neighborhoods and construction of monuments (Mirmoghtada'ei, 2009, pp. 12-14) and the elements and instruments remaining from the incidents/events in the space can be pointed

out. Besides the physical elements, the non-physical signs like spaces' names and holding of the various rituals and customs (Mirmoghtada'ei, 2009, pp. 12-14) and prominent figures in every event and story should be also taken into account. The names of the places can symbolically have a memoir of the place and society's stories in them and corroborate the sense of attachment and place identity of the individuals. It is evident that the naming of the spaces by numbers does not cause disorder in the cognitive maps of the city. However, in the meantime, such a procedure has not been intermixed with the residents' social experiences and values. This is why the emphasis has been made on naming the spaces according to the historical grounds and in line with winning the residents' support and backup (Yanushkevich, 2014, p. 47). It has to be noted that the names of the places are beyond the names seen on the plates or maps. Places' appellation based on the narrations and stories is not only effective in rendering the city more legible and commissioning it to a certain role but it also instigates an affective bond between the individuals and places and showcases a reflection of the individuals' memories and experiences in the place. Collective rituals and ceremonies in the places, as well, form new stories and collective experience for the individuals and simultaneously can play a role in narrating the society's stories. It is based on the same reason that the urban spaces have been underlined as the scene of a theater and a ground for the individuals' playing of their roles. However, a reduction is unfortunately seen in the collective ceremonies and rituals in the cities for the time being. In this regard, Ahari (2011) notifies that the reduction in the people's lived experience of the urban spaces has resulted in less voluminousness and more superficiality of the book of the city's story through diminishing of the collective rituals that produced collective memories and linked them to the traditions as well as by destroying of the decorated and memorable spaces (Ahari, 2011, p. 13). Besides narrating the society's stories and myths, holding of the collective ceremonies and rituals sets the auspicious grounds for influencing the bond between the individuals and the place and the society. Rota and Salone (2014) concluded in their study that the collective events facilitate the interactions between the individuals who belong to a special group and the corroboration of the social network connecting them, on the one hand, and corroboration of the local identity through creating a dynamic and fascinating image of the event and place, in the other hand, plays a considerable role in the process of place-making and sense of place (Rota & Salone, 2014, pp. 94-95). Each of the abovementioned cases can narrate part of the society's stories in urban places through its fixed and/or periodic presence and depict novel stories within the past stories through taking advantage of creative combinations. Every corner of the city can have stories to narrate and remind. The textual layer of the story and narration of the collective memories as a

stabilizing anchor might be possibly more prominent in some of the places than the others and it might be paler in some other places but generally there is no place in a city without any story and narration. Even the new parts and the suburbs, as well, can narrate the pre-development conditions, regional stories and the myths of the society wherein they might take place and the development reasons and dreams to offer various stories to the audience (Childs, 2008, p. 177). This way, urban spaces, as a text, both narrate the past stories of the society and set the ground for the formation of the new stories of the society.

Montgomery (2008) emphasizes that the selection of the important and basic elements from the past that give meaning to the definition of the past incidents is important for us as the society members and groups (Montgomery, 2008, p. 233). In line with this, Filep et al (2014) have posited that it has to be specified parallel to the showcasing of the city's stories as to which stories are more important to a given community; then, it has to be specified which of them should be demonstrated in the urban environment; eventually, the methods of displaying these stories in the environment should be determined (Filep, Thompson-Fawcett, & Rae, 2014, p. 313). Observation of these cases causes the creative blending of the various textual layers of the urban spaces for defining a narration of the city in a collinear and corroborative composition as a result of which a deeper bond can be consequently established between the individuals and the place.

6. CONCLUSION

In order to deal with the places, it has to be noted that their qualities and attributes go beyond the physical traits and that they also encompass the sociocultural values of the society, as well. The demonstration and narration of the collective stories and memories of the society can be used within the format of an integrated approach as a chain connecting the objective and subjective elements and features. This way, the interlacing of the place with the social-cultural values of the society would be accompanied by the individuals' coordination with the place and corroboration and continuation of their relationships.

END NOTE

1. 60% of the articles related to this study field have been published in specialized journals during the years from 2000 to 2011. For more information, please refer to Lewicka (2011).
2. The book named "The Timeless Way of Building".
3. Relph has offered a sevenfold hierarchy for an individual's experiencing of presence in a place: Existential outsidership, Mass identity of place, Objective outsider, Incidental outsidership, Behavioral insidership, Empathetic insidership, Existential insidership (Relph, 1976, pp. 51-54).

It is with such an approach that the city and its spaces become a text conveying the society's symbolic message and meaning to the individual and, in the meantime, the individuals create another text with their presence and behavior and give the place a new meaning. The bond and relationship with the place and/or, in more precise terms, sense of place is formed based on the symbolic meaning ascribed to the place. The various aspects of sense of place includes place attachment, place identity and place dependence through and these are strengthened via narrating of the society's stories and myths and its various parts, including individual-environment and social-psychological process enter a stronger linkage with one another. Thus, the narrating of the stories in the context of the urban spaces leads to the corroboration and continuation of sense of place. Since sense of place is fortified by the process of learning about a place and, on the other hand, the narration of such stories enters the individuals' daily life, the corroboration and continuation of sense of place is expanded on a vast spectrum of the society and its members.

The city's stories and the citizens' collective memories defined the generality of a place within the format of a textual layer along with the other textual layers. The physical elements of the space are artworks, conservation of historical buildings and old neighborhoods, preservation of the signs and symbols of the stories and memories in combination with such non-physical elements like places, holding of rituals and collective ceremonies and introducing of the important and main personalities all of which render narrating of the place's stories feasible. These are the stories followed by an increase in sense of belonging and attachment to the place and society and giving rise to the formation of a place, individual and social identity and transferring it to the future generations thereby to corroborate and prolong the sense of place. In the end, the experiencing of a place can be excluded from being realized as just a sensory feeling including such senses as vision, hearing and smelling and touching; additionally, individuals' memories, imaginations and expectations of the stories' narration can be related to a place and physical and fixed elements can be placed in a close bond with the individuals in a new and dynamic method.

REFERENCES

- Ahari, Z. (2011). City, Ceremony, Collective Memory A Study on the Relation of Ceremonies and Urban Spaces in Safavid and Qajar Eras. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va Shahrsazi*, 3(47), 5-16.
- Altman, I., & Low, S.M. (1992). *Place Attachment*. New York, NY: Plenum Press.
- Assche, K.V., Duineveld, M., Jong, H.D., & Zoest, A.V. (2012). What Place is This Time? Semiotics and the Analysis of Historical Reference in Landscape Architecture. *Journal of Urban Design*, 17(2), 233-254.
- Barthes, R. (1977). *Image, Music, Text*. (Heath, S, Trans.). London: Fontana.
- Boyer, C.M. (1994). *The City of Collective Memory*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Calvino, I. (2009). *The Invisible Cities*. (Raysi, B, Trans.). Iran, Tehran: Ketab-e-Khorshid Publication.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places-Urban Spaces*. Oxford: Architectural Press.
- Childs, M.C. (2008). Storytelling and Urban Design. *Journal of Urbanism*, 1(2), 173- 186.
- Davarpanah, A. (2012). *Introduction to Management and Application of Signs and Symbols in Urban Space*. Iran, Tehran: Daryaft Publication.
- Depriest-Hricko, L.R., & Prytherch, D.L. (2013). Planning and Sense of Place in a 'Dying' Downtown: Articulating Memories and Visions in Middletown, Ohio. *Journal of Urban Design*, 18(1), 145- 165.
- Dinesen, A.M. (2001). *Grundbogi Wemiotik (Introduction to Semiotics)*. (Ghahreman, M, Trans.). Iran, Abadan: Porsesh Publication.
- Droseltis, O., & Vignoles, V.L. (2010). Towards an Integrative Model of Place Identification: Dimensionality and Predictors of Intrapersonal-level Place Preferences. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 23-24.
- Falahat, M.S. (2006). The Concept of Sense of Place and Its Factors. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 1(26), 57-66.
- Filep, C.V., Thompson-Fawcett, M., & Rae, M. (2014). Built Narratives. *Journal of Urban Design*, 19(3), 298-316.
- Golkar, K. (2008). Concept Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach through to Sustainable Approach. *Journal of Environmental Sciences*, 5(4), 95-114.
- Guiraud, P. (2001). *Semiotics*. (Nabavi, M, Trans.). Iran, Tehran: Agah publication.
- Habibi, S.M. (2012). *Tale of the City; Tehran, Iranian Modernist Symbol of the City*. (2nd Ed.). Iran, Tehran: Tehran University Press.
- Hay, R. (1998). Sense of Place in Developmental Context. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 5-29.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Property Owners' Attitudes toward their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2006). A Comparative Analysis of Predictors of Sense of Place Dimensions: Attachment to, Dependence on, and Identification with Lakeshore Properties. *Journal of Environmental Management*, 79, 316-327.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R.C. (2011). Measuring the Spatial Component of Sense of Place: A Methodology for Research on the Spatial Dynamics of Psychological Experiences of Places. *Environment and Planning, B, Planning & Design*, 38, 795-813.
- Kudryavtsev, A., Stedman, R.C., & Krasny, M.E. (2012). Sense of Place in Environmental Education. *Environmental Education Research*, 18(2), 229-250.
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 28, 209-231.
- Lewicka, M. (2011). Place Attachment: How Far have we come in the Last 40 Years? *Journal of Environmental Psychology*, 31(3), 207-230.
- Manzo, L.C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Mirmoghtada'ei, M. (2009). The Criteria for Evaluation of Formation, Remembering and Recording of Collective Memory. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 37, 5-16.
- Misra, Sh., & Stokols, D. (2012). A Typology of People- Environment Relationships in the Digital Age. *Technology in Society*, 34, 311-325.
- Montgomery, J. (2008). *The New Wealth of Cities; City Dynamics and the Fifth Wave*. Hampshire: Ashgate.
- Nielsen-Pincus, M., Hall, T., Force, J.E., & Wulfhorst, J.D. (2010). Sociodemographic Effects on Place Bonding. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 443-454.
- Pretty, G.H., Chipuer, H.M., & Bramston, P. (2003). Sense of Place Amongst Adolescents and Adults in Two Rural Australian Towns: The Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 273- 287.

- Proshansky, H.M. (1978). The City and Self-identity. *Journal of Environment and Behaviour*, 10, 57-83.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Relph, E. (2007). Spirit of Place and Sense of Place in Virtual Realities. *Techne*, 10(3), 17-25.
- Rosenthal, G., & Fischer-Rosenthal, W. (2004). *The Analysis of Narrative Biographical Interviews*. in U. Flick, et al. (eds) *A Companion to Qualitative Research*, London: Sage.
- Rota, F.S., & Salone, C. (2014). Place-making Processes in Unconventional Cultural Practices. The Case of Turin's Contemporary art Festival Paratissima. *Cities*, 40, 90-98.
- Sacco, P.L., & Blessi, G.T. (2007). Urban Regeneration, Culture and Happiness; Bridging Communities through Cultural Policies: A Theoretical Framework. *Policy for Happiness, Siena*, 15 – 16.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 1-10.
- Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.
- Shumaker, S.A., & Taylor, R.B. (1983). *Toward a Clarification of People-place Relationships: A Model of Attachment to Place*. In Feimer, N., and Geller, E.S. (Eds.). *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*. New York, NY: Praeger.
- Sojoodi, F. (2008). *Applied Semiotics*. (2nd Ed.). Iran, Tehran: Elm Publication.
- Sojoodi, F. (2009). *Semiotics: Theory & Practice*. Iran, Tehran: Elm Publication.
- Spartz, J.T., & Shaw, B.R. (2011). Place Meanings Surrounding an Urban Natural Area: A Qualitative Inquiry. *Journal of Environmental Psychology*, 31, 344-352.
- Stedman, R.C. (2003). Is It Really Just a Social Construction? The Contribution of the Physical Environment to Sense of Place. *Society and Natural Resources*, 16, 671-685.
- Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. Boston, MA: CBI Publishing Company.
- Stokowski, P. (2008). *Creating Social Senses of Place: New Directions for Sense of Place Research in Natural Resource Management*. General Technical Report. PNWGTR-744. Portland, OR: U.S. Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station.
- Summerson, H. (2012). Visiting the Past (Review Article). *Journal of Historical Geography*, 38, 192-195.
- Taylor, R.B., Gottfredson, S.D., & Brower, S. (1985). Attachment to Place: Discriminant Validity, and Impacts of Disorder and Diversity. *American Journal of Community Psychology*, 13, 525-542.
- Tuan, Y.F. (1974). Space and Place: Humanistic Perspective. *Progress in Geography*, 6, 233-246.
- Tuan, Y.F. (1975). Place: an Experiential Perspective. *The Geographical Review*, 65, 151-165.
- Tuan, Y.F. (1977). *Space and Place*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Twigger-Ross, C.L., & Uzzell, D.L. (1996). Place and Identity Processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 205-220.
- Williams, D.R. (2014). Making Sense of Place: Reflections on Pluralism and Positionality in Place Research. Perspective Essay. *Landscape and Urban Planning*, 131, 74-82.
- Yanushkevich, I. (2014). Semiotics of Social Memory in Urban Space: The Case of Volgograd (Stalingrad). *International Journal of Cognitive Research in Science, Engineering and Education*, 2(1), 43-50.